

جایزه ادبی و تاریخی
بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی

علی اشرف صادقی



سه‌شنبه، ۲۹ خرداد ۱۳۹۷

باغ موقوفات دکتر محمود افشار یزدی - کانون زبان پارسی

شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت (وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی) - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول - هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ وقفنامه)

متولیان منصوص

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی (جانشین):
دکتر محمد اسلامی - بازرس) - سید محمود دعایی - دکتر علی محمد میر (جانشین: دکتر احمد میر) -
ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

موسسه فرهنگی هنری دکتر محمود افشار

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیأت مدیره) - دکتر محمد افشین وفایی (مدیر عامل) -
آرش افشار (بازرس)

هیأت گزینش کتاب و جوایز

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر ژاله آموزگار -
دکتر جلال خالقی مطلق - دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبابی - دکتر محمود
امیدسالار - کاوه بیات - دکتر محمد افشین وفایی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار - کریم اصفهانیان - ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس
(منصوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهربانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار - بهروز افشار یزدی - دکتر سید
جعفر شهیدی، رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳) - دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح -
دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر محمدعلی هدایتی

با سپاس از آقایان محسن طالبی آبکناری، پژمان فیروزبخش و سعید لیان که در تهیه این کتابچه صمیمانه همکاری کردند.

بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار

مقررات مربوط به جایزه‌های ادبی و تاریخی

ماده ۳۴ و قفنامه اول

چنانچه درآمد موقوفات به مقدار قابل‌افزایش یابد واقف یا شورای تولیت می‌تواند علاوه بر تألیف و ترجمه و چاپ کتب، مبلغی از آن را تخصیص به جوایز برای تشویق دانشمندان، دانش‌پژوهان، نویسندگان و شاعران بدهند، بالاخص برای بهترین نویسندگان و شاعران در مجله آینده. بنابر این باید شعرا و نویسندگان را به سرودن اشعار و تصنیف قطعات نظم و نثر وطنی و ملی و اجتماعی، طرح اقتراحات و مسابقه‌ها و دادن جوایز از درآمد موقوفات تشویق و ترغیب نمود. تشخیص این امور در زمان حیات با واقف است که با مشورت دوستان مطلع خود انجام می‌دهد، سپس با هیئت شش نفره است که دو سوم از متولیان و یک سوم از هیئت‌مدیره شرکت مطبوعاتی آینده یا هر کس را که آنها و اینها به جایشان معین کنند، مرکب خواهد بود.

ماده ۵ و قفنامه پنجم

به سبب انحلال شرکت مطبوعاتی آینده آنچه در مورد تشخیص امور مربوطه بدان جوایز طبق ماده ۳۴ و قفنامه اول مورخ دی ماه ۱۳۳۷ به عهده آن شرکت محول بوده از میان رفته و انجام آن امور منحصرأ به عهده واقف و سپس شورای تولیت است که می‌تواند از اهل بصیرت یاری بخواهند.

یادداشت واقف

جوایزی که در این موقوفات تعیین شده نیز مانند سایر امور آن پیرامون هدف آن است، تکمیل وحدت ملی به وسیله زبان فارسی یعنی کتب و رسالات و مقالات و اشعاری که در پیرامون این هدف نوشته شود، خواه به زبان فارسی، خواه به زبان‌های دیگر، خواه به وسیله ایرانیان یا ملل دیگر، خواه در خود ایران، خواه در خارج می‌تواند نامزد دریافت جایزه گردد. برای این کار آیین‌نامه‌ای باید تهیه شود، اجمالاً اصول آن را یادداشت می‌کنم.

دکتر محمود افشار

گراس، ۷۸/۸/۴ [۱۹]

جایزه‌های داده‌شده و تاریخ اعطای آنها

دانشمند هندی، استاد دانشگاه علیگره	نذیر احمد	۱۳۶۸/۹/۲۸ (۱)
دانشمند ایرانی، استاد دانشگاه فردوسی (مشهد)	غلامحسین یوسفی	۱۳۶۹/۹/۲۸ (۲)
دانشمند مصری، متخصص ادبیات فارسی، استاد دانشگاه عین شمس (قاهره)	امین عبدالمجید بدوی	۱۳۶۹/۷/۳۱ (۳)
دانشمند ایرانی، از مؤسسه لغتنامه دهخدا	سید محمد دبیرسیاقی	۱۳۷۱/۹/۲۸ (۴)
دانشمند پاکستانی، استاد دانشگاه پنجاب (لاهور)	ظهورالدین احمد	۱۳۷۱/۹/۲۸ (۵)
دانشمند چینی، استاد و رئیس بخش فارسی دانشگاه پکن	جان هون نین	۱۳۷۷/۲/۱۲ (۶)
دانشمند تاجیکستانی، استاد و متخصص ادبیات فارسی (دوشنبه)	کمال‌الدین عینی	۱۳۷۷/۱۲/۲۲ (۷)
دانشمند ایرانی، استاد دانشگاه تهران	منوچهر ستوده	۱۳۷۹/۱۲/۱۱ (۸)
دانشمند انگلیسی، استاد دانشگاه منچستر	کلیفورد ادموند باسورث	۱۳۸۰/۷/۱۴ (۹)
دانشمند ایرانی، استاد دانشگاه تهران	عبدالحسین زرین‌کوب	۱۳۸۲/۶/۲۴ (۱۰)
سخنسرای نامور ایرانی	فریدون مشیری	۱۳۸۲/۶/۲۴ (۱۱)
دانشمند ژاپنی، استاد ممتاز دانشگاه مطالعات خارجی توکیو	تسونه‌تو کورویاناگی	۱۳۸۲/۹/۱ (۱۲)
دانشمند آمریکایی، استاد زبان فارسی دانشگاه هاروارد	ریچارد نلسون فرای	۱۳۸۳/۴/۲ (۱۳)
دانشمند هلندی، استاد زبان فارسی دانشگاه لیدن	هانس دوپروین	۱۳۸۵/۳/۱۰ (۱۴)
دانشمند افغانستانی، پژوهشگر و مصحح متون عرفانی	نجیب مایل هروی	۱۳۸۵/۹/۲۸ (۱۵)
دانشمند فرانسوی، استاد دانشگاه پاریس	شارل هانری دوفوشه کور	۱۳۸۶/۳/۳۰ (۱۶)
دانشمند ایرانی، استاد دانشگاه تهران	بدرالزمان قریب	۱۳۸۷/۱۰/۸ (۱۷)
دانشمند اتریشی، استاد دانشگاه‌های آلمان و اتریش	برت گ. فراگنر	۱۳۸۹/۳/۲۰ (۱۸)
دانشمند ایرانی، کتابشناس و فهرست‌نگار برجسته	احمد منزوی	۱۳۹۰/۲/۲۲ (۱۹)
دانشمند ایتالیائی، استاد دانشگاه رم	آنجلو میکله پیه‌مونتسه	۱۳۹۰/۹/۱۲ (۲۰)
دانشمند ایرانی	احمد اقتداری	۱۳۹۲/۹/۲۸ (۲۱)
دانشمند ایرانی	محمدعلی موحد	۱۳۹۳/۹/۲۸ (۲۲)
سخنسرای نامور ایرانی	امیرهوشنگ ابتهاج (سایه)	۱۳۹۵/۷/۱۰ (۲۳)
دانشمند فرانسوی، استاد دانشگاه پاریس	ژیلبر لازار	۱۳۹۶/۴/۱۳ (۲۴)
دانشمند ایرانی، استاد دانشگاه تهران	علی‌اشرف صادقی	۱۳۹۷/۳/۲۹ (۲۵)



Ali Asraf Sadeghi

علی اشرف صادقی



اهداشده به دانشمند ایرانی، دکتر علی اشرف صادقی

قالیچه ابریشمی، به ابعاد ۲۲۰×۱۴۳ سانتی متر، یا ۱۳۰۰×۲۰۰۰ گره؛

و با استفاده از ۹۵ درصد مواد طبیعی از منطقه تودشک و جوشقان، طراحی و بافت در نائین، کارگاه داوود زمانی نائینی



به نام پروردگار

دانشنده گرامی آقای دکتر علی اشرف صادقی
نظریه اینکه جامعالی نزدیک به چهل سال از عمر گرانمایه را در لوزان در دانشگاه تهران در راه تعلیم زیر و بم زبان فارسی و زبانشناسی ایرانی صرف کرده‌اید و شکر در آن بسیار از مجلس درس شما بهره برده و بعضی خود از خدمتگزاران طراز اول زبان و ادب فارسی گردیده‌امند.
و نظریه اینکه از نخستین کسانی هستید که علم زبانشناسی نوین را در خدمت مطالعه زبان فارسی در آورده‌اید و کتاب دستور زبان فارسی شما و مقالاتی که درباره مسائل دستوری فارسی معاصر نوشته‌اید از روشمندترین و مهم‌ترین آثار در این زمینه و محل رجوع متخصصان ایرانی و غیر ایرانی است.
و نظریه اینکه با شوق وافر و دماست مجدداً نزدیک به پنجاه سال به پژوهش در تاریخ زبان فارسی پرداخته‌اید و زوایای تاریکی از تاریخ پیرسال این زبان را با مباحثات مختصر، فروروشن نموده‌اید و تألیفات شما از جمله کتاب کتوبن زبان فارسی، از مراجع اصلی و اساسی برای همه کسانی است که می‌خواهند در این موضوعات تحقیق علمی کنند.

و نظریه حضور فعال و پرثمر شما در فرنگستان زبان و ادب فارسی، که در آن منشأ خدمات فراوان بوده‌اید و اکنون بیست سال بیش است که در آن نهاد معظم سرپرستی تألیف فرسنگ جامع زبان فارسی را که به راستی یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های پژوهشی در قرن حاضر است - به عهده کفایت دارید و بین واسطه فرسنگ نویسی فارسی را به اتمام بخشیده‌اید.

و نظریه اینکه با تأسیس و مدیریت مجله زبانشناسی، بیست و دو سال تمام بی وقفه خدمت می‌رسانیده‌اید به زبانشناسی ایرانی کرده‌اید و خود شخصاً در آن مجله توجیهی خاص به نوبتهای گمن بازمانده از زبانها و گویشهای ایرانی نشان داده و در نقد و بررسی گویش نامه‌های ایرانی نیز کوشیده‌اید.
و نهایتاً نظریه اینکه بواسطه سلیکتهای متعدد در فکر و فقه الملتد ایرانی و ویژه فارسی مرتب و الا با تقداید.

خواهشمندیم یک تنه قالیچه ابریشمی نمانی را که در کتاب آن نام بلند آوازه شما آمده و پانزدهای را که بر آن چهره واقف و نشان موقوفات نقش بسته، به رسم یادگار از جانب بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار بپذیرید تا مگر بخشی از نیات واقف که ناظر بر ترویج و تعمیم زبان فارسی است و شما یکی از علم‌ترین و شائق‌ترین پژوهشگران آن هستید تحقیق بایده امیدواریم سالهای دراز دوستداران زبان و ادب فارسی را از غم‌زن دانش خویش بر خودار سازید.

۳۹ خرداد ۱۳۹۷

سید مصطفی محقق داماد
رئیس شورای تالیف و نشر

فهرست مطالب

۱۳ زندگی‌نامه خودنوشت
۱۵ فهرست آثار دکتر علی‌اشرف صادقی: اردوان امیری‌نژاد
۱۵ ۱. کتاب‌ها
۱۵ الف. تألیف، تصحیح و ترجمه
۱۶ ب. گردآوری و ویرایش
۱۶ ۲. مقالات
۱۶ الف. به زبان فارسی
۳۸ ب. به زبان‌های اروپایی
۴۰ ۳. یادداشت و مقدمه بر آثار دیگران و مجلات
۴۰ ۴. سخنرانی‌ها، گزارش‌ها، مصاحبه‌ها و یادداشت در روزنامه‌جات
۴۳ به مهمانی زبان شیرین فارسی خوش آمدید!: ژاله آموزگار
۴۷ علی‌اشرف صادقی: حسین سامعی
۵۳ سلسله‌جبال زبان فارسی: ابوالفضل خطیبی
۵۹ دکتر علی‌اشرف صادقی و زبان‌های ایرانی پیش از اسلام: احمدرضا قائم‌مقامی
۶۵ تصاویر

زندگی نامه خودنوشت

بنده در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۰ در قم در یک خانواده فرهنگی متولد شده‌ام. البته در شناسنامه‌ام تاریخ ۲۷ خرداد نوشته شده است، اما پدرم در پشت قرآن موروثی پدرش تاریخ تولدم را ۲۵ اردیبهشت ثبت کرده است. پدر بزرگ من آقا نصرالله ملقب به اشرف الواعظین واعظ مشهور شهر بوده است که در ۱۳۱۷ قبل از تولد من درگذشته است. جدم مرحوم حاجی ملا محمدصادق قمی فقیه بسیار معروف زمان ناصرالدین شاه بود که شرح حالش در منابع دوره قاجاری از قبیل المآثر و الآثار اعتمادالسلطنه درج است. از فتاوی منحصر او جواز تراشیدن ریش یا کوتاه کردن آن در حد تراشیدن بوده است.

تحصیلات ابتدایی من در مدرسه شایگان (به نام دکتر سید علی شایگان، وزیر فرهنگ) به مدیریت پدرم تا کلاس چهارم ابتدایی و دبستان بدر (به نام بدر، وزیر فرهنگ زمان پهلوی) در کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی و در دبیرستان حکیم نظامی قم (امام صادق کنونی) بوده است. دبیران ادبیات من در دوره دوم دبیرستان، یعنی سه سال رشته ادبی علی اصغر فقیهی صاحب کتاب تاریخ آل‌بویه، شاهنشاهی عضدالدوله، وهابیان، تاریخ مذهبی قم، ترجمه نهج البلاغه و غیره و مرحوم علی محمد فاطمی قمی بوده‌اند. در دوره اول دبیرستان مرحومان دکتر امیرحسن یزدگردی، دکتر حسن سادات ناصری و دکتر ابوالفضل مصفا (مصفی) دبیران ادبیات من بوده‌اند. پس از گرفتن دیپلم متوسطه ادبی در ۱۳۳۸ در کنکور رشته ادبیات فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شرکت کردم و در همان سال قبول شدم. در سه سال دوره کارشناسی (لیسانس) نزد مرحومان بدیع الزمان فروزانفر، جلال‌الدین همایی، ابراهیم پورداود، محمدتقی مدرس رضوی، میرجلال‌الدین محدث ارموی، دکتر محمد معین، دکتر ذبیح‌الله صفا، دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر صادق کیا، دکتر صادق گوهرین و غیره تلمذ کرده‌ام و در پایان دوره با رتبه اول در سال ۱۳۴۱ فارغ‌التحصیل شده‌ام. در سال ۱۳۴۲ با استفاده از بورس دولتی به کشور فرانسه عازم شدم و در رشته زبان‌شناسی عمومی در دانشگاه سربین ثبت‌نام کردم و در سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۷م) موفق به اخذ

دکترای سیکل سوم در رشته زبان‌شناسی شدم. استاد راهنمای من آندره مارتینه (André Martinet) زبان‌شناس معروف و بنیان‌گذار مکتب نقش‌گرایی فرانسه در زبان‌شناسی است. در این مدت در کلاس‌های درس زبان‌های قدیم ایران نیز شرکت می‌کردم. استاد زبان پهلوی من ژان پیر دومناش (Jean Pierre de Menasce) بود. استاد زبان‌های دیگر ایرانی من امیل بنونیست (Émile Benveniste) زبان‌شناس و ایران‌شناس معروف فرانسوی بود. مهم‌ترین فعالیت‌ها و سمت‌هایی که داشته‌ام به قرار زیر است:

همکاری با مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و تدوین بخشی از حرف گاف	۱۳۴۰-۱۳۴۲
شروع خدمت سربازی در شیراز	۱۳۴۶
استخدام به عنوان استادیار زبان‌شناسی در دانشگاه تهران	۱۳۴۸
معاونت امور خدمات آموزشی دانشگاه تهران به مدت ده ماه	۱۳۴۹-۱۳۵۰
ویراستاری دانشنامه ایران و اسلام	۱۳۴۹-۱۳۵۷
در این مدت بسیاری از مقالات دانشنامه ایران و اسلام را از روی متن انگلیسی و فرانسه <i>Encyclopedia of Islam</i> ترجمه کرده و مقالات دیگران را ویرایش کرده‌ام.	
ازدواج با خانم پوران یمین	۱۳۵۰
تولد بابک، اولین فرزند	۱۳۵۲
تولد بیژن، دومین فرزند	۱۳۵۷
ویراستاری دانشنامه جهان اسلام	۱۳۶۲-۱۳۶۴
تأسیس و سردبیری مجله زبان‌شناسی (تا انتشار شماره اول، سال بیست و دوم)	۱۳۶۳-۱۳۸۶
تولد آذین، سومین فرزند	۱۳۶۴
ویراستاری دایرةالمعارف بزرگ اسلامی	۱۳۶۴-۱۳۷۲
عضویت در شورای علمی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی	۱۳۶۴ تا کنون
عضویت در شورای ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما	۱۳۷۰-۱۳۹۳
عضویت پیوسته و دائمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی	۱۳۷۰ تا کنون
استاد اعزامی زبان فارسی به دانشگاه چارلز پراگ در جمهوری چک	۱۳۷۲-۱۳۷۴
مدیریت گروه دستور زبان فارسی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی	۱۳۷۳-۱۳۹۲
مدیریت گروه فرهنگ‌نویسی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی	۱۳۷۵ تا کنون
بازنشستگی از دانشگاه تهران	۱۳۸۶
سردبیری مجله فرهنگ‌نویسی	۱۳۸۶ تا کنون



فهرست آثار دکتر علی اشرف صادقی

اردوان امیری نژاد

۱. کتاب‌ها

الف. تألیف، تصحیح و ترجمه

- دستور [زبان فارسی]، مؤلفان علی اشرف صادقی و غلامرضا ارژنگ، [برای رشته] فرهنگ و ادب، آموزش متوسطه عمومی، سال دوم تا چهارم، تهران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۵۵-۱۳۵۷.
- تکوین زبان فارسی، تهران، دانشگاه آزاد ایران، ۱۳۵۷.
- لغت فرس (لغت دری)، نوشته ابومنصور احمد بن علی اسدی طوسی، به تصحیح و تحشیه فتح‌الله مجتبائی و علی اشرف صادقی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۵.
- زبان‌شناسی نوین، نتایج انقلاب چامسکی، نوشته نیل اسمیت، دیردری ویلسون، ترجمه ابوالقاسم سهیلی، علی اشرف صادقی، علی صلح‌جو، مجدالدین کیوانی، یحیی مدرس، رضا نیلی‌پور، تهران، آگاه، ۱۳۶۷.
- زبانهای ایرانی، یوسیف م. ارانسکی، ترجمه علی اشرف صادقی، تهران، سخن، ۱۳۷۸.
- نگاهی به گویش‌نامه‌های ایرانی (مجموعه‌ای از نقدها و بررسی‌ها)، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹.
- فارسی قمی، قم، باورداران، ۱۳۸۰.
- فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، منسوب به قطران، تصحیح علی اشرف صادقی، تهران، سخن، ۱۳۸۰.
- مسائل تاریخی زبان فارسی، مجموعه مقالات، تهران، سخن، ۱۳۸۰.
- خلاصه الأشعار و زبدة الافکار (بخش قم و ساوه)، تألیف میر تقی‌الدین کاشانی (زنده

در ۱۰۱۶ هـ ق)، تصحیح و تحقیق علی‌اشرف صادقی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۲.

ب. گردآوری و ویرایش

- یادنامه دکتر احمد تفضلی، تهران، سخن، ۱۳۷۹.
- فرهنگ املائی خط فارسی، با همکاری زهرا زندی‌مقدم، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۵.
- فرهنگ جامع زبان فارسی، زیر نظر علی‌اشرف صادقی، جلد اول: حرف آ، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۲.
- جشن‌نامه دکتر فتح‌الله مجتبیائی، با همکاری ابوالفضل خطیبی، تهران، هرمس، ۱۳۹۳.
- سخن عشق، جشن‌نامه دکتر حسن انوری، با همکاری محمود عابدی، تهران، سخن، ۱۳۹۵.
- فرهنگ جامع زبان فارسی، زیر نظر علی‌اشرف صادقی، جلد دوم: حرف الف-اخیی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۵.

۲. مقالات^۱

الف. به زبان فارسی

۱۳۴۸ 

- «علامت‌های جمع در فارسی معاصر»، سخن، دوره ۱۹، ش ۸، دی ۱۳۴۸، ص ۷۷۷-۷۸۶.
- «نظریه زبان‌شناسی آندره مارتینه و زبان فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی [دانشگاه تهران]، دوره ۱۷، ش ۲، پیاپی ۷۲، دی - اسفند ۱۳۴۸، ص ۱۴۳-۱۶۰.
- «درباره خطوط ایران باستان»، سخن، دوره ۱۹، ش ۱۰، اسفند ۱۳۴۸، ص ۱۰۳۷-۱۰۴۷.

۱۳۴۹ 

- «زبان فارسی و گونه‌های مختلف آن»، فرهنگ و زندگی، ش ۲، خرداد ۱۳۴۹، ص ۶۱-۶۶.
- «ساختمان‌های زبانی و ساختمان گروه‌های اجتماعی»، ترجمه‌ای از الف. سامرفلت، فرهنگ و زندگی، ش ۲، خرداد ۱۳۴۹، ص ۶۹-۷۳.
- «علم زبان در ایران باستان»، سخن، دوره ۲۰، ش ۱، خرداد ۱۳۴۹، ص ۲۹-۳۷.
- «را^۱ در زبان فارسی امروز»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، س ۲۲، پیاپی ۹۳، بهار ۱۳۴۹، ص ۹-۲۲.

۱ مقالات نقد و بررسی کتاب با نشان ستاره در آغاز متمایز شده‌اند.

- «خطوط ایرانیان باستان»، سخن، دوره ۲۰، ش ۲، تیر ۱۳۴۹، ص ۱۴۰-۱۴۲.
- * «واژه‌نامه مینوی خرد»، [تألیف احمد تفضلی]، راهنمای کتاب، س ۱۳، ش ۵-۷، مرداد - مهر ۱۳۴۹، ص ۴۲۷-۴۳۰.
- «چند لغت عامیانه فارسی»، سخن، دوره ۲۰، ش ۴-۵، شهریور و مهر ۱۳۴۹، ص ۳۸۹-۳۹۴.
- «از بین رفتن گروه صامت آغازی در زبان فارسی»، سخن، دوره ۲۰، ش ۶، آبان ۱۳۴۹، ص ۵۴۳-۵۵۰. نیز در: مجموعه خطابه‌های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی، ج ۱، به‌کوشش مظفر بختیار، تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۵۰، ص ۲۱۳-۲۲۴.
- «حروف اضافه در فارسی معاصر»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، س ۲۲، پیاپی ۹۵-۹۶، پاییز و زمستان ۱۳۴۹، ص ۴۴۱-۴۷۰.
- * «تاریخ زبان فارسی»، [تألیف دکتر پرویز ناتل خانلری]، راهنمای کتاب، س ۱۳، ش ۱۰-۱۲، دی - اسفند ۱۳۴۹، ص ۷۸۷-۷۹۷.
- «زبان عامیانه (توضیح)»، ارمغان، س ۵۲، دوره ۳۹، ش ۱۱-۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۴۹، ص ۷۳۲-۷۴۰.
- «تحول افعال بی‌قاعده زبان فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، س ۶، ش ۴، پیاپی ۲۴، زمستان ۱۳۴۹، ص ۷۹۱-۸۰۱.

۱۳۵۰

- «مصدر و اسم مصدر در فارسی معاصر (۱)»، راهنمای کتاب، س ۱۴، ش ۴-۶، تیر-شهریور ۱۳۵۰، ص ۳۰۶-۳۱۳.
- «مصدر و اسم مصدر در فارسی معاصر (۲)»، راهنمای کتاب، س ۱۴، ش ۹-۱۲، آذر-اسفند ۱۳۵۰، ص ۷۷۱-۷۷۸.
- «یادی از محمد معین»، راهنمای کتاب، س ۱۴، ش ۹-۱۲، آذر-اسفند ۱۳۵۰، ص ۷۳۱-۷۴۱.
- «خصوصیات زبانی تفسیر قرآن پاک»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی [دانشگاه تهران]، دوره ۱۸، ش ۳، پیاپی ۷۷، اسفند ۱۳۵۰، ص ۳۹-۶۵.
- * «دستور امروز»، [تألیف خسرو فرشیدورد]، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی [دانشگاه تهران]، دوره ۱۸، ش ۳، پیاپی ۷۷، اسفند ۱۳۵۰، ص ۱۶۲-۱۷۰.
- * «توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی بر بنیاد یک نظریه عمومی زبان»، [تألیف محمدرضا باطنی]، راهنمای کتاب، س ۱۴، ش ۱-۳، فروردین - خرداد ۱۳۵۰، ص ۷۲-۸۲.

۱۳۵۱ 

- * «زبان و زبان‌شناسی»، [تألیف رابرت ا. هال، ترجمه محمدرضا باطنی]، راهنمای کتاب،
س ۱۵، ش ۱۰-۱۲، دی - اسفند ۱۳۵۱، ص ۷۷۵-۷۸۱.
- «اجارنامچه، قباله‌نامچه، قصیچه...»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی [دانشگاه
تهران]، دوره ۱۹، ش ۳-۴، پیاپی ۷۹-۸۰، اسفند ۱۳۵۱، ص ۱۴۷-۱۵۰.

۱۳۵۲ 

- «دیگر، ددیگر، ودیگر»، راهنمای کتاب، س ۱۶، ش ۴-۶، تیر- شهریور ۱۳۵۲، ص ۲۳۸-
۲۴۱.
* «زبان فارسی امروز»، [تألیف یو. آ. روبینچیک]، راهنمای کتاب، س ۱۶، ش ۷-۹، مهر
- آذر ۱۳۵۲، ص ۴۸۰-۴۹۰.
- «استقلال نحوی و عناصر مستقل در جمله»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز،
س ۲۵، پیاپی ۱۰۷، پاییز ۱۳۵۲، ص ۳۲۷-۳۴۶.
* «در جوار سنگسر»، [تألیف چراغعلی اعظمی و گرنات ل. ویندفور]، کتاب امروز، پاییز
۱۳۵۲، ص ۳-۵.
- «زبان فارسی و فرهنگستان»، راهنمای کتاب، ضمیمه جلد شانزدهم، س ۱۶، ش ۱۰-۱۱،
دی و بهمن ۱۳۵۲، ص ۸-۳۱.
- «درباره بعضی پسوندهای نسبت در فارسی معاصر»، جشن نامه محمدپروین گنابادی، زیر
نظر محسن ابوالقاسمی و با همکاری محمد روشن، تهران، توس، ۱۳۵۲، ص ۲۴۶-۲۶۰.

۱۳۵۳ 

- «ده، دهی، دهید...»، یغما، س ۲۷، ش ۲، مسلسل ۳۰۸، اردیبهشت ۱۳۵۳، ص ۸۲-۸۳.
- «درباره ترکیبات آل دار عربی در فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی [دانشگاه
تهران]، دوره ۲۱، ش ۲-۳، پیاپی ۸۶-۸۷، آذر ۱۳۵۳، ص ۱۲۹-۱۳۶.
* «فرهنگ فارسی دکتر معین»، [تألیف دکتر محمد معین]، راهنمای کتاب، س ۱۷، ش ۱۰-۱۲،
دی - اسفند ۱۳۵۳، ص ۷۴۱-۷۵۶.

۱۳۵۵ 

- «درباره وجه تسمیه دهخوارقان»، سیمرغ، ش ۳، آبان ۱۳۵۵، ص ۶۶-۷۲.

۱۳۶۱ 

* «مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی»، [تألیف ابوالحسن نجفی]، نقد آگاه، تهران، آگاه، ۱۳۶۱، ص ۸۲-۸۶.

۱۳۶۲ 

- «زبان معیار»، نشر دانش، س ۳، ش ۴، خرداد و تیر ۱۳۶۲، ص ۱۶-۲۱. نیز در: مسائل نثر فارسی، مجموعه سخنرانیهای اولین سمینار نگارش فارسی، ۱۵-۱۸ آبان ۱۳۶۱، تهران، ستاد انقلاب فرهنگی و مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳، ص ۴۵-۵۵. نیز در: درباره زبان فارسی، برگزیده مقاله‌های نشر دانش (۷)، به کوشش نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵، ص ۲۹-۴۰.

* «کتاب کوچه»، [تألیف احمد شاملو]، نقد آگاه، تهران، آگاه، ۱۳۶۲، ص ۱۷۷-۱۹۰.

۱۳۶۳ 

* «کتاب تاریخ نیشابور»، نشر دانش، س ۴، ش ۵، مرداد و شهریور ۱۳۶۳، ص ۳۶-۴۵.

- «تبدیل 'آن' و 'آم' به 'اون' و 'اوم' در فارسی گفتاری و سابقه تاریخی آن»، مجله زبان‌شناسی، س ۱، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۶۳، ص ۵۲-۷۱.

* «فرهنگ جعفری»، [تألیف محمد مقیم تویسرکانی، تصحیح سعید حمیدیان]، مجله زبان‌شناسی، س ۱، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۶۳، ص ۱۰۰-۱۱۱.

- «نخستین شاعر فارسی‌سرای و آغاز شعر عروضی فارسی»، معارف، دوره ۱، ش ۲، مرداد - آبان ۱۳۶۳، ص ۸۷-۱۱۵.

- «درباره رسم‌الخط فارسی»، مجله زبان‌شناسی، س ۱، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۶۳، ص ۲-۱۲.

* «فرهنگ تاتی و تالشی»، [تألیف علی عبدلی]، مجله زبان‌شناسی، س ۱، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۶۳، ص ۱۰۹-۱۱۲.

* «نمونه‌ای مطلوب از پژوهش علمی در تاریخ اسلام»، [تألیف آدم متز، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو]، نقد آگاه، تهران، آگاه، ۱۳۶۳، ص ۱۴۹-۱۶۰.

۱۳۶۴ 

- «سپهبد - سپهبد، هیربد - هیربد، باربد - باربد»، مجله زبان‌شناسی، س ۲، ش ۱، پیاپی ۳، بهار و تابستان ۱۳۶۴، ص ۲۵-۳۰.

* «مجموعه مقالات مردم‌شناسی ویژه شناسایی گویش‌های ایران (۱)»، [پژوهنده مسعود پورریاحی با همیاری فرزاد فروزانفر]، مجله زبان‌شناسی، س ۲، ش ۱، پیاپی ۳، بهار و

تابستان ۱۳۶۴، ص ۱۰۳-۱۰۵.

- «لغات لاری و گرمسیری از قرن نهم»، مجله زبان‌شناسی، س ۲، ش ۲، پیاپی ۴، پاییز و زمستان ۱۳۶۴، ص ۳۳-۴۲.

* «درآمدی بر دستور زبان اوستایی (بررسی یسن نهم)»، [تألیف محمدتقی راشد محصل]، مجله زبان‌شناسی، س ۲، ش ۲، پیاپی ۴، پاییز و زمستان ۱۳۶۴، ص ۱۰۹-۱۱۱.

* «زبان‌شناسی عملی، راهنمای بررسی گویش‌ها»، [تألیف ویلیام سامارین، ترجمه لطیف عطاری]، مجله زبان‌شناسی، س ۲، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۶۴، ص ۱۰۳-۱۰۸.

۱۳۶۵ 

* «بررسی لغات اروپایی در زبان فارسی» [تألیف نورمحمد خان]، مجله زبان‌شناسی، س ۳، ش ۱، پیاپی ۵، بهار و تابستان ۱۳۶۵، ص ۸۹-۹۲.

- «سورآبادی، سورآبانی، سوریانی»، مجله زبان‌شناسی، س ۳، ش ۱، پیاپی ۵، بهار و تابستان ۱۳۶۵، ص ۴۵-۵۲.

* «کتاب تمثیلات سغدی مانوی»، [به‌کوشش ورنر زوندرومان]، مجله زبان‌شناسی، س ۳، ش ۱، پیاپی ۵، بهار و تابستان ۱۳۶۵، ص ۹۳-۹۴.

* «نوای گفتار در فارسی»، [تألیف دکتر تقی وحیدیان کامیار]، مجله زبان‌شناسی، س ۳، ش ۱، پیاپی ۵، بهار و تابستان ۱۳۶۵، ص ۸۵-۹۲.

- «التقای مصوت‌ها و مسأله صامت‌های میانجی در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، س ۳، ش ۲، پیاپی ۶، پاییز و زمستان ۱۳۶۵، ص ۳-۲۲.

* «ساخت آوایی زبان، بحثی درباره صداهای زبان و نظام آن»، [تألیف دکتر مهدی مشکوة‌الدینی]، مجله زبان‌شناسی، س ۳، ش ۲، پیاپی ۶، پاییز و زمستان ۱۳۶۵، ص ۱۰۵-۱۰۷.

* «واژه‌نامه شایست نشایست»، [تألیف دکتر محمود طاووسی]، مجله زبان‌شناسی، س ۳، ش ۲، پیاپی ۶، پاییز و زمستان ۱۳۶۵، ص ۱۰۸-۱۰۹.

۱۳۶۶ 

* «فارسی شوشتری»، [تألیف عبدالله وزیری]، مجله زبان‌شناسی، س ۴، ش ۱-۲، پیاپی ۷-۸، ۱۳۶۶، ص ۱۵۹-۱۶۶.

- «لغات فارسی کتاب التلخیص ابوهلال عسکری»، مجله زبان‌شناسی، س ۴، ش ۱-۲، پیاپی ۷-۸، ۱۳۶۶، ص ۲۶-۵۷.

* «ماتیکان یوشت فریان»، [ترجمه محمود جعفری]، مجله زبان‌شناسی، س ۴، ش ۱-۲، پیاپی ۷-۸، ۱۳۶۶، ص ۱۶۷-۱۶۸.

- «تحول زبان و تثبیت یا معیارسازی آن: دو جریان مخالف و ناگزیر»، مجله زبان‌شناسی، س ۵، ش ۱، پیاپی ۹، بهار و تابستان ۱۳۶۷، ص ۲-۱۲. نیز در: رشد، آموزش ادب فارسی، س ۴، ش ۱۴، تابستان ۱۳۶۷، ص ۴-۷. نیز در: ویراستار، کتاب دوم، زیر نظر شورای ویراستاران، تهران، شرکت انتشارات فنی ایران، تابستان ۱۳۹۵، ص ۳۱-۴۲.
- *- «فرهنگ سمنانی، شرح حال و نمونه آثار محلی شاعران در گویش سمنانی»، [تألیف محمد احمد پناهی سمنانی]، مجله زبان‌شناسی، س ۵، ش ۱، پیاپی ۹، بهار و تابستان ۱۳۶۷، ص ۱۱۳-۱۱۴.
- *- «واژه‌نامه سیستمی»، [تألیف ایرج افشار سیستمی]، مجله زبان‌شناسی، س ۵، ش ۱، پیاپی ۹، بهار و تابستان ۱۳۶۷، ص ۱۰۹-۱۱۲.
- «درباره فقاغ»، نشر دانش، س ۸، ش ۶، مهر و آبان ۱۳۶۷، ص ۳۸-۴۰.
- *- «فرهنگ گیل و دیلم (فارسی به گیلکی)»، [تألیف محمود پاینده (لنگرودی)]، مجله زبان‌شناسی، س ۵، ش ۲، پیاپی ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۶۷، ص ۱۲۷-۱۲۹.
- *- «فرهنگ نائینی»، [تألیف منوچهر ستوده]، مجله زبان‌شناسی، س ۵، ش ۲، پیاپی ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۶۷، ص ۱۱۹-۱۲۶.
- *- «موادی از لهجه‌های ایرانی غربی، از مجموعه دی. ال. لاریمر، جلد ۱، موادی درباره مردم‌نگاری بختیاری‌ها»، [تألیف فریدون وهمن و ج. س. آساطریان]، مجله زبان‌شناسی، س ۵، ش ۲، پیاپی ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۶۷، ص ۱۳۰-۱۳۱.
- «یادداشتی درباره ساختمان واجی لهجه دوانی»، مجله زبان‌شناسی، س ۵، ش ۲، پیاپی ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۶۷، ص ۲-۸.

- «لولی و مغ»، نشر دانش، س ۹، ش ۵، مرداد و شهریور ۱۳۶۸، ص ۲۸-۳۳.
- «فارسی قدیم و فارسی امروز»، دانش، [پاکستان]، ش ۱۹، پاییز ۱۳۶۸، ص ۱۹-۲۴.
- «عوض شدن جای تکیه در بعضی از کلمات فارسی»، مجله زبان‌شناسی، س ۶، ش ۱، پیاپی ۱۱، دی ۱۳۶۸، ص ۲۳-۲۸.
- *- «مجموعه مقالات مردم‌شناسی ویژه شناسایی گویش‌های ایران (۲)»، [پژوهنده مسعود پورریاحی با همیاری طیبه بهزادی کیا]، مجله زبان‌شناسی، س ۶، ش ۱، پیاپی ۱۱، دی ۱۳۶۸، ص ۱۰۷-۱۰۸.
- *- «بررسی گویش قاین»، [تألیف دکتر رضا زمردیان]، مجله زبان‌شناسی، س ۶، ش ۲، پیاپی ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۶۸، ص ۱۱۸-۱۲۳.

- «یک قاعده آوایی زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، س ۶، ش ۲، پیاپی ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۶۸، ص ۶۲-۷۴.

۱۳۶۹ 

- «تحول پسوند حاصل مصدر از پهلوی به فارسی»، مجله زبان‌شناسی، س ۷، ش ۱، پیاپی ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۶۹، ص ۸۱-۸۸.

*- «واژه‌های اصیل نهاوندی»، [تألیف منیر عبدالملکیان]، مجله زبان‌شناسی، س ۷، ش ۱، پیاپی ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۶۹، ص ۱۲۳-۱۲۴.

- «تأثیر شاهنامه در زبان مردم»، گردون، س ۱، ش ۱، آذر ۱۳۶۹، ص ۱۰-۱۱. نیز در: فرهنگ مردم، س ۷، ش ۲۴-۲۵، بهار ۱۳۸۷، ص ۴۶-۵۰. نیز در: کاخ بلند هزارساله، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۰، ص ۴۰۹-۴۱۵.

- «تأملی در دو تاریخ قدیم اصفهان»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، س ۴-۵، ش ۱-۲، پیاپی ۸-۹، اسفند ۱۳۶۹، ص ۲۷-۴۶.

- «درباره کلمات عربی‌الاصل مختوم به 'اِه- a/e' و 'ت- at'»، مجله زبان‌شناسی، س ۷، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۶۹، ص ۳۲-۴۳.

*- «سه اثر درباره لهجه مازندرانی»، مجله زبان‌شناسی، س ۷، ش ۲، پیاپی ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۶۹، ص ۶۳-۷۱.

*- «واژه‌نامه یزدی»، [تألیف ایرج افشار]، مجله زبان‌شناسی، س ۷، ش ۲، پیاپی ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۶۹، ص ۱۰۰-۱۰۳.

- «آتا»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر محمدکاظم موسوی بجنوردی، ج ۱، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۸۵.

- «زبان تفسیر ابوعلی جبائی چه بوده است؟»، هفتاد مقاله، ارمغان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی، به کوشش یحیی مهدوی و ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۶۹، جلد دوم، ص ۵۵۱-۵۵۷.

۱۳۷۰ 

- «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۱)»، نشر دانش، س ۱۱، ش ۴، خرداد و تیر ۱۳۷۰، ص ۱۲-۱۸.

- «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۲)»، نشر دانش، س ۱۱، ش ۵، مرداد و شهریور ۱۳۷۰، ص ۶-۱۲.

- «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۳)»، نشر دانش، س ۱۲، ش ۱، آذر

و دی ۱۳۷۰، ص ۲۸-۳۳.

- * «آله‌های همدان یا گزیده اشعار همدانی»، [تألیف عباس فیضی]، مجله زبان‌شناسی، س ۸، ش ۱-۲، پیاپی ۱۵-۱۶، [۱۳۷۰]، تاریخ انتشار زمستان ۱۳۷۱، ص ۱۳۸-۱۳۹.
- * «ساوه‌نامه، مجموعه مقالات مجمع تاریخ و فرهنگ ساوه»، مجله زبان‌شناسی، س ۸، ش ۱-۲، پیاپی ۱۵-۱۶، [۱۳۷۰]، تاریخ انتشار زمستان ۱۳۷۱، ص ۱۴۰-۱۴۳.
- * «واژه‌نامه همدانی»، [تألیف هادی گروسین]، مجله زبان‌شناسی، س ۸، ش ۱-۲، پیاپی ۱۵-۱۶، [۱۳۷۰]، تاریخ انتشار زمستان ۱۳۷۱، ص ۱۲۲-۱۳۷.
- «واژه‌های فریب‌کار در فارسی تاجیکی»، مجله زبان‌شناسی، س ۸، ش ۱-۲، [۱۳۷۰]، تاریخ انتشار زمستان ۱۳۷۱، ص ۱۲-۲۲.
- «ام‌الکتاب و زبان آن»، یکی قطره باران، جشن‌نامه استاد دکتر عباس زریاب خوئی، به‌کوشش احمد تفضلی، تهران، نشر نو، ۱۳۷۰، ص ۶۰۵-۶۳۹.
- «جاسبی یا جاستی؟»، یغمای سی‌ودوم، یادنامه حبیب یغمایی، گردآوری ایرج افشار، با همکاری قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، تهران، انتشارات ایران، ۱۳۷۰، ص ۲۸۵-۲۸۹.

۱۳۷۱

- «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۴)»، نشر دانش، س ۱۲، ش ۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱، ص ۲۱-۲۵.
- «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۵)»، نشر دانش، س ۱۲، ش ۴، خرداد و تیر ۱۳۷۱، ص ۳۹-۴۵.
- «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۶)»، نشر دانش، س ۱۲، ش ۵، مرداد و شهریور ۱۳۷۱، ص ۱۵-۱۹.
- «اشعار محلی جامع الالحان عبدالقادر مراغی»، مجله زبان‌شناسی، س ۹، ش ۱، پیاپی ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۷۱، ص ۵۴-۶۴. نیز با اندکی تغییر در: فصلنامه موسیقی ماهور، س ۷، ش ۲۸، تابستان ۱۳۸۴، ص ۵۹-۶۹.
- «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۷)»، نشر دانش، س ۱۲، ش ۶، مهر و آبان ۱۳۷۱، ص ۱۹-۲۳.
- «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۸)»، نشر دانش، س ۱۳، ش ۲، بهمن و اسفند ۱۳۷۱، ص ۲۲-۲۹.
- «خطاهای تلفظی و بیانی در صدا و سیما»، دومین سمینار زبان فارسی در صدا و سیما، تهران، سروش، ۱۳۷۱، ص ۱۴۶-۱۵۲.
- «زبان معیار»، دومین سمینار زبان فارسی در صدا و سیما، تهران، سروش، ۱۳۷۱، ص ۳۸-۴۴.

- «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۹)»، نشر دانش، س ۱۳، ش ۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۲، ص ۹-۱۵.
- «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۱۰)»، نشر دانش، س ۱۳، ش ۴، خرداد و تیر ۱۳۷۲، ص ۱۵-۲۲.
- «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۱۱)»، نشر دانش، س ۱۳، ش ۵، مرداد و شهریور ۱۳۷۲، ص ۲۱-۲۵.
- «اشعار تازه رودکی»، نشر دانش، س ۱۳، ش ۴، خرداد و تیر ۱۳۷۲، ص ۶-۱۴؛ ش ۵، مرداد و شهریور ۱۳۷۲، ص ۸۱-۸۲. نیز در: یاد یار مهربان (سیری در زندگی و سروده‌های رودکی)، به‌کوشش علی دهباشی، تهران، صدای معاصر، ۱۳۸۵، ص ۲۴۵-۲۶۶.
- *- «الْقند فی ذکر علماء سمرقند»، [تصحیح یوسف الهادی]، آینه پژوهش، س ۴، ش ۲، پیاپی ۲۰، مرداد و شهریور ۱۳۷۲، ص ۶۳.
- «اشعار تازه‌ای از منوچهری»، نشر دانش، س ۱۳، ش ۶، مهر و آبان ۱۳۷۲، ص ۱۸-۲۳.
- *- «اشعار فارسی کاشی‌های تخت سلیمان»، [تألیف عبدالله قوچانی]، نشر دانش، س ۱۳، ش ۶، مهر و آبان ۱۳۷۲، ص ۳۵-۳۹.
- «پیشینه تفاوت‌های فارسی تاجیکی و فارسی ایران»، کیهان فرهنگی، س ۱۰، ش ۸، آبان ۱۳۷۲، ویژه فرهنگ تاجیکستان، ص ۴۰-۴۲. نیز در: درّی (موقعیت ادبیات فارسی در جهان معاصر)، به‌کوشش محمود اسعدی، تهران، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۳، ص ۱۵-۲۶.
- «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۱۲)»، نشر دانش، س ۱۴، ش ۱-۲، آذر - اسفند ۱۳۷۲، ص ۱۲-۱۵.
- *- «نحو عربی و تفسیر قرآن»، نشر دانش، س ۱۴، ش ۱-۲، آذر - اسفند ۱۳۷۲، ص ۴۹.
- «دربارۀ فعل‌های جعلی در زبان فارسی»، مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم، زیر نظر علی کافی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲، ص ۲۳۶-۲۴۶.

- «بعضی تحولات ناشناخته کلمات عربی در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۱، ش ۱، پیاپی ۲۱، بهار و تابستان ۱۳۷۳، ص ۲-۱۱.
- *- «لهجۀ بخارایی»، [تألیف احمدعلی رجایی بخارایی]، مجله زبان‌شناسی، س ۱۱، ش ۲، پیاپی ۲۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۳، ص ۶۲-۶۳.

۱۳۷۵ 

- «نقش فرهنگستان در برنامه‌ریزی برای زبان فارسی»، نامه فرهنگستان، س ۲، ش ۲، پیاپی ۶، تابستان ۱۳۷۵، ص ۱۴۸-۱۶۱.
- «ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر»، کلک، ش ۸۰-۸۳، آبان - بهمن ۱۳۷۵، ص ۵۲۷-۵۳۳.
- *- «آداب و رسوم مردم سمنان»، [مَثَل‌ها، افسانه‌ها، لطیفه‌ها، باورهای عامه، حَرَف و فنون سنتی، تألیف محمد احمد پناهی سمنانی]، مجله زبان‌شناسی، س ۱۳، ش ۱-۲، پیاپی ۲۵-۲۶، ۱۳۷۵، تاریخ انتشار آذر ۱۳۷۷، ص ۱۵۱-۱۵۲.
- *- «دستورنویسی فارسی در شبه‌قاره هند و پاکستان»، [تألیف شفقت جهان ختک]، مجله زبان‌شناسی، س ۱۳، ش ۱-۲، پیاپی ۲۵-۲۶، ۱۳۷۵، تاریخ انتشار آذر ۱۳۷۷، ص ۱۴۵-۱۵۰.
- «فهلویات عبید زاکانی»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۳، ش ۱-۲، پیاپی ۲۵-۲۶، ۱۳۷۵، تاریخ انتشار آذر ۱۳۷۷، ص ۲-۸.
- «متن کوتاهی به گویش لری از قرن یازدهم هجری»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۳، ش ۱-۲، پیاپی ۲۵-۲۶، ۱۳۷۵، تاریخ انتشار آذر ۱۳۷۷، ص ۹-۱۵.

۱۳۷۷ 

- *- «تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام» [تألیف احمد تفضلی]، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، س ۲، ش ۴، پیاپی ۱۶، بهمن ۱۳۷۷، ص ۱۲-۱۳.
- «دکتر منصور شکلی»، نامه فرهنگستان، س ۴، ش ۴، پیاپی ۱۶، زمستان ۱۳۷۷، تاریخ انتشار آذر ۱۳۷۹، ص ۲-۵.

۱۳۷۸ 

- «باد شرطه»، نشر دانش، س ۱۶، ش ۱، بهار ۱۳۷۸، ص ۴۸-۵۱.
- *- «کتابخانه‌های ایرانی»، نشر دانش، س ۱۶، ش ۱، بهار ۱۳۷۸، ص ۷۹.
- «لهجه قدیم کازرون»، فارس‌شناخت، س ۱، ش ۱، بهار ۱۳۷۸، ص ۱۵۷-۱۶۳.
- *- «فن شعر فارابی و ابن‌سینا»، نشر دانش، س ۱۶، ش ۴، زمستان ۱۳۷۸، ص ۹۱-۹۲.
- *- «بررسی گویش بویراحمد و...»، [تألیف افضل مقیمی]، مجله زبان‌شناسی، س ۱۴، ش ۱-۲، پیاپی ۲۷-۲۸، ۱۳۷۸ (دوره جدید)، ص ۱۴۲-۱۴۴.

۱۳۷۹ 

- خلاصه لغت فرس اسدی طوسی، ضمیمه شماره ۹ نامه فرهنگستان، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تیر ۱۳۷۹.

- ترجمه فارسی الابانه، شرح السامی فی الاسامی میدانی، ضمیمه شماره ۱۰ نامه فرهنگستان، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تیر ۱۳۷۹.
- *- «بررسی گویش بیرجند»، [تألیف جمال رضائی]، مجله زبان‌شناسی، س ۱۵، ش ۱، پیاپی ۲۹، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۹۵-۹۸.
- «تحول پسوند اسم فاعل به اسم مصدر»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۵، ش ۱، پیاپی ۲۹، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۲-۱۳.
- «توضیح درباره فلهوی‌های اصفهانی و همدانی»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۵، ش ۱، پیاپی ۲۹، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۲۱-۲۳.
- *- «واژه‌نامه گویش بیرجند»، [تألیف جمال رضائی]، مجله زبان‌شناسی، س ۱۵، ش ۱، پیاپی ۲۹، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۹۹-۱۰۰.
- «یک فلهوی دیگر از عبید زاکانی (؟)»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۵، ش ۱، پیاپی ۲۹، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۱۵-۱۷.
- «باز- باز، باز، باز، چنـد - چنـد»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۵، ش ۲، پیاپی ۳۰، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۲-۱۳.
- «چند شعر به زبان کرجی، تبریزی و غیره»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۵، ش ۲، پیاپی ۳۰، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۴-۱۷.
- *- «فارسی هروی»، [تألیف محمد آصف فکرت]، مجله زبان‌شناسی، س ۱۵، ش ۲، پیاپی ۳۰، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۱۲-۱۱۶.
- «شروینیان یا عشق‌نامه شروین دشتی و شروه‌سرایی»، یادنامه دکتر احمد تفضلی، به‌کوشش علی‌اشرف صادقی، تهران، سخن، ۱۳۷۹، ص ۲۳۳-۲۴۳.

۱۳۸۰ 

- «لغات فارسی کفایة الطب حُبیش تفلِسی، به‌همراه بررسی لغات تقویم الادویة او»، نامه فرهنگستان، دوره ۵، ش ۱، پیاپی ۱۷، اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۱۳-۲۹.
- *- «بررسی زبان‌شناختی گویش زرنـد»، [تألیف علی بابک]، مجله زبان‌شناسی، س ۱۶، ش ۱، پیاپی ۳۱، بهار و تابستان ۱۳۸۰، ص ۹۱-۹۵.
- *- «بررسی گویش جیرفت و کهنوج»، [تألیف اسلام نیک‌نفس دهقانی]، مجله زبان‌شناسی، س ۱۶، ش ۱، پیاپی ۳۱، بهار و تابستان ۱۳۸۰، ص ۹۶-۹۹.
- «تحول خوشه صامت آغازی در زبان فارسی»، نامه ایران باستان، س ۱، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۵-۲۴.
- «ابیات تازه‌ای از کسائی»، محقق‌نامه، به‌کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی و جویا جهانبخش،

تهران ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۸۸۳-۸۸۷.

- «ام‌الکتاب»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر محمدکاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۰، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۲-۲۳۴.
- «راه‌های فعال کردن واژه‌سازی در زبان فارسی»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی مسائل واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی، تهران - اسفند ماه ۱۳۷۸، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۱-۲۵۱.

۱۳۸۱ 

- «آیا فرهنگ تحفة الاحباب از حافظ اوبهی است؟»، نشر دانش، س ۱۹، ش ۱، بهار ۱۳۸۱، ص ۳۸-۴۶. نیز در: مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی، ۲۷-۳۰ خرداد ۱۳۸۱، ادبیات ایران، ج ۱، تهران، بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۳، ص ۴۷۳-۴۹۷.
- «درباره توبه‌نامه باب»، نشر دانش، س ۱۹، ش ۲، تابستان ۱۳۸۱، ص ۳۲.
- «قطعه‌هایی باز یافته از کتاب الموازنة حمزة اصفهانی»، نامه ایران باستان، س ۲، ش ۱، پیاپی ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۱، ص ۳-۶۲.
- «گوش‌شناسی ایران بر اساس متون فارسی: گوش‌های مرکزی»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۷، ش ۱، پیاپی ۳۳، بهار و تابستان ۱۳۸۱، ص ۲-۸.
- «واژه‌هایی تازه از زبان قدیم مردم اران و شروان و آذربایجان»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۷، ش ۱، پیاپی ۳۳، بهار و تابستان ۱۳۸۱، ص ۲۲-۴۱.
- * «واژه‌نامه نسخه‌شناسی»، [تألیف آدم گاجک]، نامه بهارستان، س ۳، ش ۱، دفتر ۵، بهار و تابستان ۱۳۸۱، ص ۲۳۱-۲۳۳.
- «کلمات ایرانی در قاموس»، فارس‌شناخت، س ۴، ش ۶، تابستان ۱۳۸۱، ص ۱۳۳-۱۳۸.
- «چند بیت تازه از منوچهری و بعضی نکات دیگر»، نامه فرهنگستان، س ۵، ش ۴، پیاپی ۲۰، آذر ۱۳۸۱، ص ۳۸-۶۴.
- * «سیری در انوارالمشعشعین»، میراث شهاب، س ۸، ش ۳، پیاپی ۲۹، پاییز ۱۳۸۱، ص ۵۱-۶۲.
- «استاد فروزانفر آنطور که من دیدم»، زیباشناخت، ش ۷، نیمسال دوم ۱۳۸۱، ص ۳۴۹-۳۵۶.
- «چند توضیح مربوط به مقاله قطعه‌هایی باز یافته از کتاب الموازنة حمزة اصفهانی»، نامه ایران باستان، س ۲، ش ۲، پیاپی ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۱۳-۱۱۴.
- «بحثی درباره فرهنگ عربی به فارسی «المراقبة» و مؤلف آن»، نشر دانش، س ۱۹، ش ۴، زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۸-۳۱.
- «دستور سخن، تألیف میرزا محمدتقی کمال‌الدین متخلص به سنجر ایرانی»، کتابداری، س ۳۶، دفتر ۳۸، ۱۳۸۱، ص ۱۶۳-۱۶۷.

- «لرزم تسلط فارسی آموزان بر گوناگونی‌های زبان فارسی»، آموزش زبان فارسی، مشکلات و راهکارها، به‌کوشش محسن سلیمانی، نیویورک، شورای گسترش زبان فارسی در آمریکای شمالی، ۱۳۸۱، ص ۳۵-۴۱.
- «لغات شیرازی و سایر لغات گویشی در اختیارات بدیعی»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران، ۹-۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۰، به‌کوشش حسن رضایی باغبیدی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۱، ص ۳۴۹-۳۷۶.

۱۳۸۲

- *- «درباره گویش لارستانی»، [تألیف لطفعلی خنجی]، مجله زبان‌شناسی، س ۱۸، ش ۱، پیاپی ۳۵، بهار و تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۲۰-۱۳۷.
- *- «فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار: قشون و نظمیه»، [تألیف یحیی مدرسی، حسین سامعی و زهرا صفوی مبرهن]، مجله زبان‌شناسی، س ۱۸، ش ۱، پیاپی ۳۵، بهار و تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۳۹-۱۵۴.
- «فهلویات عین‌القضاة همدانی و چند فهلوی دیگر»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۸، ش ۱، پیاپی ۳۵، بهار و تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۳-۲۴.
- «معارضه ترکی با فارسی در ازان و شروان: چند بیت به یک گویش ازانی و شروانی»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۸، ش ۱، پیاپی ۳۵، بهار و تابستان ۱۳۸۲، ص ۱-۱۲.
- «تدقیقی در تحفة الملوک»، نشر دانش، س ۲۱، ش ۳، پاییز ۱۳۸۲، ص ۵۲-۶۲.
- *- «فرهنگ عامه اردکان»، [تألیف سید محمود طباطبایی اردکانی]، آینه میراث، دوره جدید، س ۱، ش ۳، پیاپی ۲۲، پاییز ۱۳۸۲، ص ۷۷-۸۲.
- «لغت فرس اسدی در سفینه تبریز»، نامه بهارستان، س ۴، ش ۱-۲، دفتر ۷-۸، بهار - زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۶۵-۱۹۴.
- «درباره نام امین‌الدین حاج بُلّه»، نامه بهارستان، س ۴، ش ۱-۲، دفتر ۷-۸، بهار - زمستان ۱۳۸۲، ص ۲۷۷-۲۸۰.
- «محل آذربیزین مهر»، نامه ایران باستان، س ۳، ش ۲، پیاپی ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ص ۵-۱۷.
- «فهلویات شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۸، ش ۲، پیاپی ۳۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ص ۱-۳۳.
- «بَترُون، بَترای، برای»، نامه فرهنگستان، س ۶، ش ۲، پیاپی ۲۲، بهمن ۱۳۸۲، ص ۹-۱۴.
- «داستان وامق و عذرا و اصل یونانی آن»، نشر دانش، س ۲۰، ش ۴، زمستان ۱۳۸۲، ص ۴-۱۶.

- * «توضیح درباره گویش لاری و خنجی»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۹، ش ۱، پیاپی ۳۷، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۱۴۵-۱۴۷.
- «گویش قدیم کازرون»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۹، ش ۱، پیاپی ۳۷، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۱-۴۱.
- * «آشپزی در فرهنگ مردم کازرون»، [تألیف محمدمهدی مظلوم‌زاده]، فرهنگ مردم، س ۳، ش ۱۱-۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۵۹-۱۶۰.
- «دو تحول آوایی در زبان فارسی: حذف و اضافه شدن صامت 'ن' بعد از مصوت‌های بلند»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۹، ش ۲، پیاپی ۳۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، ص ۱-۹.
- «نمونه‌هایی از گویش تجریشی از بیش از هشتاد سال پیش»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۹، ش ۲، پیاپی ۳۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، ص ۳۷-۴۷. نیز در: فرهنگ مردم، ش ۴۵-۴۶، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۹۷-۱۰۷.
- «کلمات مرکب ساخته‌شده با ستاک فعل»، دستور (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، جلد ۱، ش ۱، اسفند ۱۳۸۳، ص ۵-۱۱.
- * «نسخه‌برگردان دیوان لغات‌الترک»، [تألیف محمود بن حسین کاشغری]، نامه بهارستان، س ۵، ش ۱-۲، دفتر ۹-۱۰، بهار و زمستان ۱۳۸۳، ص ۳۸۱-۳۸۳.
- «تهرانی، لهجه»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۸، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۷۴۸-۷۴۹.

- «یک تحول آوایی دیگر زبان فارسی: فرآیند افزوده شدن صامت 'ر' به بعضی از کلمات»، مجله زبان‌شناسی، س ۲۰، ش ۱، پیاپی ۳۹، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۱-۱۶.
- «ریشه‌شناسی نام‌های جغرافیای فارس»، فارس‌شناخت، دوره جدید، ش ۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۴، ص ۷-۱۲.
- «کلمات روسی در زبان فارسی و تاریخچه ورود آنها»، مجله زبان‌شناسی، س ۲۰، ش ۲، پیاپی ۴۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ص ۳-۴۶.
- «۱۹۹ رباعی منسوب به شمس گنجه‌ای در جنگی کهن»، جشن نامه استاد دکتر محمد خوانساری، به کوشش حسن حبیبی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴، ص ۳۷۱-۴۱۷.
- «زبان قدیم فارسی از چه زمان معیار شده است؟»، زبان و رسانه، با گرایش به زبان فارسی و رادیو: مجموعه مقالات هم‌اندیشی زبان و رسانه، به کوشش محمد پروری، تهران، طرح آینده، ۴۱۳۸، ص ۴۴۹-۴۶۳. نیز در: شناختنامه استاد علی اصغر فقیهی، به کوشش

- محمدرضا رهبریان، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۱-۲۴۳.
- «متنی منظوم از پندنامه انوشیروان به خط داراب هرمزدیار»، نامه ایران باستان، س ۵، ش ۱-۲، پیاپی ۹-۱۰، ۱۳۸۴، ص ۴۱-۵۴.
- «وجه تسمیه چند نام جغرافیایی مربوط به خاک یزد»، پژوهش‌های ایران‌شناسی (نامواره دکتر محمود افشار)، ج ۱۶: ستوده‌نامه (۲)، به‌کوشش ایرج افشار و با همکاری کریم اصفهانیان و محمدرسول دریاگشت، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۴، ص ۶۱۳-۶۲۳. نیز در: فرهنگ یزد، س ۷، ش ۲۸، پاییز ۱۳۸۵، ص ۱۱۳-۱۲۳.

۱۳۸۵

- «ضوابط تصحیح متن‌های کهن»، نامه بهارستان، س ۶-۷، دفتر ۱۱-۱۲، ۱۳۸۴-۱۳۸۵، ص ۲۰۷-۲۱۰.
- «کهن‌ترین فرهنگ فارسی»، نفوذ فرهنگ و زبان و ادب فارسی در هند، به‌کوشش آرمیدخت صفوی، علیگره، دانشگاه اسلامی علیگره، ۲۰۰۶، ص ۹۱-۹۹.
- «تحول صامت 'ق' عربی در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، س ۲۱، ش ۱-۲، پیاپی ۴۱-۴۲، ۱۳۸۵، ص ۳-۳۲.
- «چند فهلوی»، مجله زبان‌شناسی، س ۲۱، ش ۱-۲، پیاپی ۴۱-۴۲، ۱۳۸۵، ص ۳۳-۵۶.
- «درباره سبک‌شناسی بهار»، ارج‌نامه ملک‌الشعراء بهار، به‌کوشش علی میرانصاری، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۵، ص ۵۲۱-۵۴۸.
- «نکاتی در باب ترجمه تفسیر طبری مصحح مرحوم یغمایی»، ارج‌نامه حبیب یغمایی، به‌کوشش سید علی آل‌داود، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۵، ص ۳۴۹-۳۶۸.

۱۳۸۶

- «تحول کلمات فارسی در دوره اسلامی»، ادب‌پژوهی، س ۱، ش ۱، بهار ۱۳۸۶، ص ۹-۱۵.
- «شکل‌های تحبیبی نام‌های خاص ایرانی در دوره اسلامی - بخش اول»، مجله زبان‌شناسی، س ۲۲، ش ۱، پیاپی ۴۳، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص ۳-۲۰.
- «تحقیق در زبان کتاب النقص شیخ عبدالجلیل رازی»، کتاب ماه کلیات، س ۱۰، ش ۱۱، پیاپی ۱۱۹، آبان ۱۳۸۶، ص ۱۶-۱۷.
- «درباره یازگار»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، دوره ۱، ش ۱، دی ۱۳۸۶، ص ۲۹۰. نیز در: به فرهنگ باشد روان تندرست، مقاله‌ها و نقدهای نامه فرهنگستان درباره شاهنامه، به‌کوشش احمد سمیعی گیلانی و ابوالفضل خطیبی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۰، ص ۴۹۵.

- «البلغة»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۲، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۶، ص ۳۹-۴۱.
- «ترجمه تفسیر طبری»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۲، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۶، ص ۳۱۲-۳۱۹.
- «تفسیر کیمبرج»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۲، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۶، ص ۳۸۶-۳۹۱.
- «نسخه ترجمه تفسیر طبری کتابخانه آستان قدس»، جشن نامه استاد دکتر محمدعلی موحد، به کوشش حسن حبیبی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۵-۲۷۸.

۱۳۸۷

- *- «فرهنگ مردم همدان»، [تألیف پرویز اذکائی]، فرهنگ مردم، س ۷، ش ۲۶، تابستان ۱۳۸۷، ص ۱۳۶-۱۳۷.
- «درباره بعضی واژه‌های مربوط به تاب‌بازی»، فرهنگ مردم، س ۷، ش ۲۷-۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ص ۲۳۷-۲۵۰.
- «اشعار تازه‌ای از آفرین‌نامه ابوشکور بلخی»، جرعه بر خاک، یادنامه استاد دکتر یحیی ماهیار نوابی، به کوشش محمود جعفری دهقی و علی شهیدی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۶۵-۷۰.
- «تحول a- پایانی کلمات فارسی به e-»، جشن‌نامه استاد اسماعیل سعادت، به کوشش حسن حبیبی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۷، ص ۳۹۷-۴۱۰.
- «تسمیه: نام‌گذاری در ایران»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر محمدکاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۵، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۴-۳۱۱.
- «چهل و چهار رباعی منسوب به خیام، در جنگی از آغاز قرن هشتم هجری»، شاخه‌های شوق، یادگارنامه بهاء‌الدین خرمشاهی، به کوشش علی دهباشی، تهران، قطره، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳۷-۱۲۴۷.
- «درباره وجه اشتقاق کلمه سیبویه»، آفتابی در میان سایه‌ای، جشن‌نامه استاد دکتر بهمن سرکاراتی، به کوشش علیرضا مظفری و سجاد آیدنلو، تهران، قطره، ۱۳۸۷، ص ۲۵۳-۲۶۳.

۱۳۸۸

- «شيوه‌های فرهنگ‌نویسی در لغت‌نامه دهخدا»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۲، مهر ۱۳۸۸، ص ۲-۳۹.

- «اشعار تازه‌ای از منجیک»، جشن‌نامه استاد عبدالمحمد آیتی، به‌کوشش غلامعلی حداد عادل، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۹-۲۹۵.
- «خاطراتی از دکتر غلامحسین مصاحب»، زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷-۱۱۴.
- «دری»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۳، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۹-۱۷۱.
- «دستور سخن»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۳، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۲-۱۸۶.
- «دستور اللغة»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۳، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۸-۱۹۲.
- «ویژگی‌های زبانی الابنیه»، کتاب الابنیه عن حقایق الادویه (روضه الأُنس و منفعة النفس)، ابومنصور موفّق بن علی الهروی، نسخه‌برگردان به قطع اصل نسخه خطی شماره A. F. 340 کتابخانه ملی اتریش (وین)، به خط علی بن احمد اسدی طوسی، با مقدمه فارسی ایرج افشار و علی‌اشرف صادقی، با مقدمه انگلیسی برت. گ. فراگنر، نصرت‌الله رستگار، کارل هولوبار، اوا ایربلیش و محمود امیدسالار، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۸، ص سی‌وهفت - هشتادوشش.

۱۳۸۹

- «بعضی ویژگی‌های ابیات شیرازی سعدی در مثلثات»، سعدی‌شناسی، دفتر ۱۳، اردیبهشت ۱۳۸۹، ص ۱۰۶-۱۱۰.
- «برگی از مقدمه سرمه سلیمانی»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۳، بهمن ۱۳۸۹، ص ۲۴۹-۲۵۱.
- «کیار، تنبان - تنبان، چاپلوس»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۳، بهمن ۱۳۸۹، ص ۱۵۵-۱۷۱. نیز: «کیار»، به فرهنگ باشد روان تندرست، مقاله‌ها و نقدهای نامه فرهنگستان درباره شاهنامه، به‌کوشش احمد سمیعی گیلانی و ابوالفضل خطیبی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۰، ص ۹۱-۹۵.
- «یک معنی ناشناخته کلمه پهلوی در زبان فارسی»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۳، بهمن ۱۳۸۹، ص ۲-۳۲.
- «اشتقاق صفت فاعلی (اسم فاعل) از بن ماضی»، دستور (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۶، اسفند ۱۳۸۹، ص ۴۵-۵۳.
- «برخی نشانه‌های نادر جمع در زبان فارسی»، با همکاری اکرم‌السادات حاجی‌سیدآقایی،

- دستور (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۶، اسفند ۱۳۸۹، ص ۵۴-۷۶.
- «اشعاری تازه از لامعی دهستانی»، پژوهش‌های ایران‌شناسی (نامواره دکتر محمود افشار)، ج ۲۰: آفرین‌نامه، هفتادودو مقاله اهداشده به شادروان دکتر محمدامین ریاحی، به خواستاری دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی و ایرج افشار، به کوشش نادر مطلبی کاشانی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴-۱۱۳.
- «درباره برهان قاطع»، ارج‌نامه محمد معین: زندگی، آثار، جستارهای متن‌پژوهی، به کوشش محمد غلامرضایی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۹، ص ۴۶۷-۵۱۵.
- «سه مسمط تازه از مسعود سعد»، چون من در این دیار، جشن‌نامه استاد دکتر رضا انزلی‌نژاد، به کوشش محمدرضا راشد محصل، محمدجعفر یاحقی، سلمان ساکت، با همکاری قطب علمی فردوسی‌شناسی و ادبیات خراسان دانشگاه فردوسی مشهد، تهران، سخن، ۱۳۸۹، ص ۲۲۳-۲۳۲.
- «غزلی از قطب‌الدین شیرازی به گویش قدیم شیراز»، مزدک‌نامه، یادبود سومین سالگرد درگذشت مزدک کیان‌فر، خواهان: جمشید کیان‌فر، پروین استخری، ج ۳، تهران، خواهان، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵-۱۴۱.
- «من و دکتر معین»، ارج‌نامه محمد معین: زندگی، آثار، جستارهای متن‌پژوهی، به کوشش محمد غلامرضایی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۹، ص ۷۹-۸۷.

۱۳۹۰

- «ایرج افشار دانشمندی با توانایی‌های استثنایی»، گزارش میراث، دوره ۲، س ۵، ش ۴۴، فروردین و اریبهشت ۱۳۹۰، ص ۱۱۷-۱۲۱.
- «آوازه، مدری، آنگ، آزیغ یا آریغ، میغ - مه»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۴، بهمن ۱۳۹۰، ص ۲۳۸-۲۶۸. نیز: «مدری (= مدرا)»، کاخ بلند هزارساله، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۰، ص ۴۱۷-۴۲۳.
- «برگزار یا برگذار»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۴، بهمن ۱۳۹۰، ص ۲-۱۵.
- «فرهنگ شمس‌الدین محمد کشمیری»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۴، بهمن ۱۳۹۰، ص ۳۱۹-۳۲۵.
- «بعضی شکل‌های ناشناخته شناسه‌ها در فارسی قدیم»، با همکاری اکرم السادات حاجی‌سیدآقایی، دستور (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۷، اسفند ۱۳۹۰، ص ۳-۵۷.
- «بیت شیرازی سعدی در گلستان (پیشنهادی تازه برای قرائت و معنی آن)»، جشن‌نامه استاد دکتر سلیم نیساری، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، فرهنگستان زبان و ادب

فارسی، ۱۳۹۰، ص ۳۹۳-۳۹۹.

- «درباره دکتر ذبیح‌الله صفا»، ارج‌نامه ذبیح‌الله صفا: نقد و بررسی آثار و جستارهای متن‌شناسی، به‌کوشش سید علی آل‌داود، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۰، ص ۱۰۷-۱۱۰.
- «درباره ورقه و گلشاه عیوقی»، ارج‌نامه ذبیح‌الله صفا: نقد و بررسی آثار و جستارهای متن‌شناسی، به‌کوشش سید علی آل‌داود، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۰، ص ۱۹۷-۲۲۳.
- «من و ابوالحسن نجفی»، جشن‌نامه ابوالحسن نجفی، به‌کوشش امید طیب‌زاده، تهران، نیلوفر، ۱۳۹۰، ص ۲۷۵-۲۷۹.
- «وزن فهلویات»، وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز، مجموعه سخنرانی‌های نخستین هم‌اندیشی وزن شعر فارسی و اشعار ایرانی در انجمن زبان‌شناسی ایران، ۹ و ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۹، به‌کوشش امید طیب‌زاده، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۷-۱۴۸.

۱۳۹۱ 

- «ابیات شیرازی سعدی در مثلثات»، زبان‌ها و گویش‌های ایرانی (ویژه‌نامه‌نامه فرهنگستان)، دوره جدید، ش ۱، شهریور ۱۳۹۱، ص ۵-۳۸. نیز در: مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی (گذشته و حال)، به‌کوشش محمود جعفری دهقی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۱-۳۶.
- «ضبط‌های متفاوتی از شش قصیده منوچهری در دو جُنگ و یک تذکره»، جستارهای ادبی، س ۴۵، ش ۳، پیاپی ۱۷۸، پاییز ۱۳۹۱، ص ۱-۲۸.
- «اضافه شدن پسوند -I مصدری به اسامی معنی»، دستور (ویژه‌نامه‌نامه فرهنگستان)، ج ۸، اسفند ۱۳۹۱، ص ۲-۹.
- «بحثی در باب کتاب «پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی در دو قرن اول هجری» از دکتر احمدعلی رجایی»، خرد بر سر جان، نامگانه استاد دکتر احمدعلی رجایی بخارایی، به درخواست و به‌کوشش محمدجعفر یاحقی، محمدرضا راشد محصل، سلمان ساکت، تهران، سخن، با همکاری قطب علمی فردوسی‌شناسی، ۱۳۹۱، ص ۳۴۹-۳۸۸.
- تحقیق در کتاب المصادر ابوبکر بستی، ضمیمه ۲۳ آینه میراث، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۱.
- «شرفنامه منیری»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۴، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۵-۲۲۸.

- «صحاح الفرس»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۴، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۱، ص ۳۹۹-۴۰۲.
- «غیث اللغات»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۴، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۱، ص ۷۴۴-۷۴۶.
- «فارسی»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۴، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۱، ص ۷۵۶-۷۵۷.
- «یک قصیده و یک مثنوی منسوب به قطران»، سایه سرو سهی، یادنامه دکتر منوچهر مرتضوی، به خواستاری و اشراف سید محمدتقی علوی، به کوشش محمد طاهری خسروشاهی، تبریز، ستوده، ۱۳۹۱، ص ۵۴۹-۵۵۶.

۱۳۹۲

- «تشدید در زبان فارسی»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۵ و ۶، اردیبهشت ۱۳۹۲، ص ۳-۴۳.
- «زه، جسم، کلاته - کلاجه، مجیز گفتن، آگور»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۵ و ۶، اردیبهشت ۱۳۹۲، ص ۲۰۶-۲۲۲.
- «ابیاتی از شعرای قدیم در نسخه‌ای از لغت فرس اسدی»، ایران‌نامه، س ۲۸، ش ۲، تابستان ۱۳۹۲، ص ۶۰-۶۷.
- «فاوا، مروارید - مروارید، گان - گاد»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۷، دی ۱۳۹۲، ص ۹۷-۱۱۳.
- «فوائد زبانی و لغوی تصحیح الفصح ابن‌درستویه فسائی»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۷، دی ۱۳۹۲، ص ۳-۲۲.
- «درباره تلفظ بعضی کلمات شاهنامه»، مجموعه مقالات همایش هزاره شاهنامه، ۲۴ و ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۰، به کوشش محمدجعفر یاحقی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۲، ص ۳۶۹-۳۷۷.
- «کلمات فارسی مربوط به دریانوردی از متون عربی»، مروارید خلیج فارس، پژوهش‌های ایران‌شناسی در بزرگداشت استاد احمد اقتداری، به اهتمام میثم کرمی، تهران، گستره، ۱۳۹۲، ص ۴۱۵-۴۲۰.

۱۳۹۳

- «اسم فاعل‌ها و اسم مفعول‌های باب‌های مزید عربی در فارسی»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۸، مرداد ۱۳۹۳، ص ۳-۱۱.

- «گیارنده یا گیازنده، پفیوز، پایی شدن، اسقاط - اسقاطی - اسقاط، شغال - شغاد»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۸، مرداد ۱۳۹۳، ص ۹۴-۱۱۱.
- «غزلی ملمع از ناصرالدین خطیب شفعوی به سه زبان عربی، فارسی و شیرازی»، زبان‌ها و گویش‌های ایرانی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، دوره جدید، ش ۴، آذر ۱۳۹۳، ص ۱۱۷-۱۲۸.
- «اشعار تازه‌ای از عسجدی»، به دانش بزرگ و به همت بلند، جشن نامه استاد احمد سمیعی (گیلانی)، به کوشش سایه اقتصادی‌نیا، تهران، هرمس، ۱۳۹۳، ۴۳-۵۰.
- «اشعار نویافته‌ای از عنصری»، دانش و آزادگی و...، ارج‌نامه استاد دکتر محمدرضا راشد محصل، به درخواست و اشراف محمدجعفر یاحقی، سلمان ساکت، آرش اکبری مفاخر، تهران، سخن، ۱۳۹۳، ص ۴۴۱-۴۴۸.
- «فرهنگ جهانگیری»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۵، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۳، ص ۳۷-۴۴.
- «فرهنگ رشیدی»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۵، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۳، ص ۴۴-۴۷.
- «فرهنگ شعوری»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۵، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۳، ص ۵۴-۵۷.
- «فرهنگ قوأس»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۵، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۳، ص ۵۸-۵۹.
- «فرهنگ نظام»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۵، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۳، ص ۵۹-۶۲.
- «فرهنگ وفایی»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۵، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۳، ص ۶۶-۶۹.
- «فرهنگ‌نویسی در ایران»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۵، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۳، ص ۶۳-۶۵.
- «قدیمی‌ترین فرهنگ فارسی چه بوده است»، جشن نامه دکتر فتح‌الله مجتبائی، به کوشش علی‌اشرف صادقی و ابوالفضل خطیبی، تهران، هرمس، ۱۳۹۳، ص ۵۸۹-۶۰۰.
- «لغت فرس»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۵، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۳، ص ۶۰۱-۶۱۵.
- «مجمع الفرس»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۵، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۳، ص ۷۱۶-۷۲۰.
- «نسخه تازه‌ای از ورزنامه»، این گونه ماندگار، یادنامه استاد اسماعیل رفیعیان، زیر نظر و اشراف دکتر مهدی محقق، به کوشش محمد طاهری خسروشاهی، تهران، مؤسسه مطالعات

اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه مک‌گیل، ۱۳۹۳، ص ۷۵۹-۷۶۲.

- «یک قصیده تازه از عنصری»، با قافله شوق، ارج‌نامه دکتر محمدعلی موحد، به خواستاری عباس عباس‌زاده و باقر صدری‌نیا، به کوشش محمد طاهری خسروشاهی، تبریز، ستوده، ۱۳۹۳، ص ۷۱۳-۷۲۰.

۱۳۹۴

- «درباره هفت‌لشکر»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه فرهنگستان)، ج ۹، اردیبهشت ۱۳۹۴، ص ۱۳۹.

- «صامت /θ/ ث' در زبان فارسی و پهلوی»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه فرهنگستان)، ج ۹، اردیبهشت ۱۳۹۴، ص ۳-۳۶.

- «کشخَر - کشخور - کشور، چشمه، جادو جنبل، جعلوق، یُغر، گزاردن»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه فرهنگستان)، ج ۹، اردیبهشت ۱۳۹۴، ص ۱۰۳-۱۱۸.

- «پسوندهای 'ا'، 'اک' و 'ک'»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه فرهنگستان)، ج ۱۰، اسفند ۱۳۹۴، ص ۳-۱۶.

- «دیهیم - داهیم، قبراَق، غَنج‌رَش - غنج‌مَرش - غَنج‌موش - غَنج‌موس، دریوزه»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه فرهنگستان)، ج ۱۰، اسفند ۱۳۹۴، ص ۹۳-۱۰۶.

۱۳۹۵

- «زبان فارسی در نقض عبدالجلیل رازی»، ایرانشهر امروز، س ۱، ش ۱، فروردین - خرداد ۱۳۹۵، ص ۹-۱۴.

- «ارابه - عرابه»، ایرانشهر امروز، س ۱، ش ۳، شهریور و مهر ۱۳۹۵، ص ۴۸-۵۱.

- «کسره اضافه به جای که موصول»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه فرهنگستان)، ج ۱۱، دی ۱۳۹۵، ص ۳-۸.

- «هنجیدن - فنجیدن، دانستن - دانستن، خجنده - خزنده، طاق‌باز، آلاخون و الاخون»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه فرهنگستان)، ج ۱۱، دی ۱۳۹۵، ص ۵۷-۸۰.

- «تغییر صامت‌های واکدار آغازی به بیواک در زبان فارسی»، زبان و کتیبه، س ۱، ش ۱، زمستان ۱۳۹۵، ص ۹-۱۳.

- «ابیات و مصراع‌های شیرازی در غزل ملمع حافظ»، سخن عشق، جشن‌نامه دکتر حسن انوری، به خواستاری علی‌اشرف صادقی و محمود عابدی، تهران، سخن، ۱۳۹۵، ص ۳۲۷-۳۳۴.

- «فرهنگ سامانی»، یادنامه دکتر حسن حبیبی، به کوشش غلامعلی حداد عادل، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۵، ص ۳۴۹-۳۵۸.

- «معیار جمالی»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۶، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۵، ص ۹۵-۹۸.
- «مَهْدَبُ الاسماء»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۶، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۵، ص ۲۶۲-۲۶۶.
- «ویژگی‌های زبانی ضیاء الشهاب»، پیر گلرنگ، یادنامه استاد فقید دکتر رشید عیوضی، به خواستاری رحمان مشتاق‌مهر و احمد گلی، به کوشش محمد طاهری خسروشاهی، قم، ادبیات، ۱۳۹۵، ص ۷۲۷-۷۳۸.

۱۳۹۶

- «قاعده آوایی حذف /w/ آغازی و چند مسئله آوایی وابسته به آن»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۱۲، شهریور ۱۳۹۶، زیر چاپ.
- «گرازیدن - رازیدن، دست‌باف، خفته - خفتن - خوفتن، سیخ»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۱۲، شهریور ۱۳۹۶، زیر چاپ.
- «پسوندهای تحبیبی در زبان فارسی»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۱۳، اسفند ۱۳۹۶، زیر چاپ.
- «سوری، موش دواندن - موشک، فات‌فاته، عنبرنساارا»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۱۳، اسفند ۱۳۹۶، زیر چاپ.
- «تأملی در قرائت بیتی از حافظ»، جشن نامه م. پ. جکتاجی (سه کتاب اول، دوم و سوم)، به کوشش رحیم چراغی، رشت، نشر فرهنگ ایلپا، ۱۳۹۶، ص ۱۰۷۵-۱۰۷۶.

۱۳۹۷

- «خوهر - خواهر»، دیهیم هفتاد، مهرنامه استاد دکتر محمدجعفر یاحقی، به خواستاری و اشرف محمود فتوحی رودم‌عجنی، سلمان ساکت و اصغر ارشاد سرابی، تهران، سخن، با همکاری دانشگاه فردوسی مشهد و مرکز آثار، مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۷، ص ۲۲۱-۲۲۴.
- «دستور الافاضل»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ذیل، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۷، ص ۱۷۴-۱۷۶.

ب. به زبان‌های اروپایی

- “L’influence de l’arabe sur le système phonologique du persan”, *La Linguistique*, Vol. 11, Fasc. 1975, 2, pp. 152-145.

- "Sepahbad - Sepahbod, hīrbad - hīrbod, bārbad - bārbod", *Luqmān*, Première année, No. 1, Automne - hiver 1985 -1984, pp. 66 -60.
- "Arabic Language, i. Arabic Elements in Persian", *Encyclopaedia Iranica*, ed. by Ehsan Yarshater, Vol. II, Fasc. 3, December 1986, pp. 231 -229.
- "Quelle était la langue du tafsīr d'abū 'Alī al-Djubbā'ī?", *Luqmān*, Vol. 2, No. 1986 ,2, pp.79 -71.
- "„rā“ im modernen persischen Sprachgebrauch", *Spektrum Iran*, 1. Jahrgang 1988, Heft 2, pp. 58 -45.
- "Some Comments on Persian Words Used in al-Bīrūnī's Arabic Writings", *Acts of the International Symposium on Ibn Turk, Khwārazmī, Fārābī, Beyrūnī and Ibn Sīnā* (Ankara 12 -9 September 1985), Ankara, 1990, pp. 58 -55.
- "Sur la langue de l'Umm al-Kitāb", *Luqmān*, Vol. 7, No. 1, Automne - hiver 1991 -1990, pp. 101 -95.
- "Hiatus und hiatustilgende Konsonanten in der persischen Sprache", *Spektrum Iran*, 4. Jahrgang 1991, Heft 2, pp. 24 -3.
- "Dictionaries, i. Persian Dictionaries", *Encyclopaedia Iranica*, ed. by Ehsan Yarshater, Vol. VII, Fasc. 4, December 1995, pp. 397 -387.
- "Ezāfa", *Encyclopaedia Iranica*, ed. by Ehsan Yarshater, Vol. IX, Fasc. 2, December 1999, pp. 128 -127 (in collaboration with John R. Perry).
- ترجمه فارسی: «اضافه»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۱، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴، ص ۴۴۸ -۴۵۰.
- "Language planning in Iran: a historical review", *International Journal of the Sociology of Language*, 2001 ,148, pp. 30 -19.
- "The Persian Language", *The Different Aspects of Islamic Cultures*, Vol. V: Culture and Learning in Islam, ed. by E. Ihsanoglu, Unesco Publishing, Paris, 2003, pp. 54 -49.
- "Kazerun, iii. Old Kazerun Dialect", *Encyclopaedia Iranica*, ed. by Ehsan Yarshater, Vol. XVI, Fasc. 2, May 2013, pp. 217 -216.
- "Rare Forms of Personal Endings in Some Classical Persian Texts", *From Aṣl to Zā'id: Essays in Honour of Éva M. Jeremiás*, ed. by Iván Szántó, Piliscsaba, 2015, pp. 247 -239.

۳. یادداشت و مقدمه بر آثار دیگران و مجلات

- «هدف و روش مجله»، مجله زبان‌شناسی، س ۱، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۶۳، ص ۲-۳.
- «پیشگفتار فارسی»، بر: فرهنگ اصطلاحات پزشکی و داروسازی، یوهان شلیمر، زیر نظر علی‌اشرف صادقی، قم، مؤسسه انتشارات باورداران، زمستان ۱۳۸۰، ص پنج- شش؛ ترجمه مقدمه نویسنده از فرانسه، ص سیزده- پانزده.
- «پیشگفتار»، بر: نامنامه ایرانی، فردیناند یوستی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲، ص ۷-۱۷.
- «سرمقاله»، زبان‌های ایرانی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ج ۱، ش ۱، خرداد ۱۳۸۴، ص ۲-۳.
- «سرمقاله»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، دوره ۱، ش ۱، دی ۱۳۸۶، ص ۲-۳.
- «مقدمه»، بر: گنجینه گویش‌شناسی فارس، عبدالنبی سلامی، دفتر ۴، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۶، ص ۹-۱۲.
- «پایان پانزده دوره نامه فرهنگستان»، نامه فرهنگستان، دوره ۱۵، ش ۴، مسلسل ۶۰، تابستان ۱۳۹۵، ص ۴۸-۵۰.
- «پیشگفتار»، بر: فرهنگ‌نویسی، مباحث نظری و کاربردی، ترجمه عاطفه ابهری، زهرا جعفری، ندا زادگان، کبری سلسله‌سبزی، سوسن سمрад، مرضیه صنعتی، فرزانه طاهری، فریبا قطره، ندا گرکانی، تهران، کتاب بهار، ۱۳۹۵، ص هفت- هشت.
- فرهنگ‌نویسی برای زبان فارسی، یوری آرونوویچ روینچیک، ترجمه محسن شجاعی، با یادداشت‌های علی‌اشرف صادقی، تهران، کتاب بهار، ۱۳۹۷.

۴. سخنرانی‌ها، گزارش‌ها، مصاحبه‌ها و یادداشت در روزنامه‌جات

- «فقر و غنای زبان فارسی»، [گفتگو]، کیهان، ش ۱۳۴۶۵، پنج‌شنبه ۱۹ آبان ۱۳۶۷، ص ۱۶.
- «زبان‌شناسی و ضرورت آشنایی با آن»، [متن سخنرانی]، رشد آموزش ادب فارسی، س ۵، ش ۱۹-۲۰، زمستان ۱۳۶۸ و بهار ۱۳۶۹، ص ۱۲-۱۷.
- «شعرا و نویسندگان باید در فرهنگستان حضور داشته باشند»، [گفتگو]، آدینه، ش ۴۹، شهریور ۱۳۶۹، ص ۴۹.
- «زبان فارسی در جهان امروز»، [گزارش]، نامه فرهنگستان، س ۲، ش ۱، پیاپی ۵، بهار ۱۳۷۵، ص ۱۶۲-۱۶۳.
- «میزگرد زبان و ادب فارسی، اوضاع کنونی و راهبردها: بررسی وضعیت زبان و ادب فارسی در ایران»، [گفتگو]، مجله دانشگاه انقلاب، ش ۱۰۸-۱۰۹، بهار ۱۳۷۶، ص ۱۱-۳۸.
- «میزگرد روش‌های مطلوب تدریس، گفتگوی اختصاصی رشد آموزش زبان و ادب فارسی با صاحب‌نظران درباره روش‌های مطلوب تدریس زبان و ادبیات فارسی»، [گفتگو]، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، س ۱۳، ش ۵۱، تابستان ۱۳۷۸، ص ۴-۱۱.

- «پنجمین همایش شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در آمریکای شمالی، نیوجرسی، ۱-۲ مارس ۲۰۰۲/۱۰-۱۱ اسفند ۱۳۸۰»، [گزارش]، نامه فرهنگستان، دوره ۵، ش ۳، پیاپی ۱۹، اردیبهشت ۱۳۸۱، ص ۲۳۱-۲۳۳.
- «زبان فارسی و زبان‌شناسی»، [گفتگو]، کتاب هفته، ش ۱۶۲، پیاپی ۵۴۹، شنبه ۲۰ دی ۱۳۸۲، ص ۱۰-۱۱.
- «گفتگو با دکتر علی اشرف صادقی»، جشن‌نامه دکتر علی اشرف صادقی، به‌همت امید طیب‌زاده، تهران، هرمس، ۱۳۸۲، ص ۵-۱۴۰. نیز در: چهره‌های ماندگار: دکتر علی اشرف صادقی، به اهتمام محمود اسعدی، تهران، جهان فرهنگ و انتشارات زمان، ۱۳۸۳، ص ۶۸-۹۲.
- «خاطراتی از یک استاد»، خبرنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، س ۸، ش ۹۷، تیر ۱۳۸۳، ص ۷-۸؛ ش ۹۸، مرداد ۱۳۸۳، ص ۷.
- «هم‌اندیشی سفینه تبریز در دانشگاه لیدن هلند»، [گزارش]، آینه میراث، دوره جدید، س ۲، ش ۱، پیاپی ۲۴، بهار ۱۳۸۳، ص ۲۱۳-۲۱۶.
- «آفات علوم انسانی در دانشگاه‌ها»، [گفتگو]، خبرنامه مرکز نشر دانشگاهی، ش ۸، آبان ۱۳۸۴، ص ۶-۸.
- «نسخه‌های خطی، میراث معنوی ما»، ایران، ویژه‌نامه هفته کتاب، پنج‌شنبه ۳ آذر ۱۳۸۴، ص ۵.
- «نگاهی به سنت دانشنامه‌نویسی در ایران و جایگاه دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره»، [متن سخنرانی]، گزارش فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دفتر ۲، بهار ۱۳۸۵، ص ۱۲۷-۱۳۱.
- «نشست ماه: گونه‌های زبانی»، [گفتگو]، کتاب ماه ادبیات، س ۹، ش ۱۰-۱۲، پیاپی ۱۰۶-۱۰۸، مرداد - مهر ۱۳۸۵، ص ۴-۱۷.
- «فارسی را زیبا بنویسیم»، [گفتگو]، کتاب هفته، ش ۶۱، پیاپی ۷۱۲، شنبه ۲۵ آذر ۱۳۸۵، ص ۱۰-۱۱.
- «ورود انبوه واژه‌های عربی نظام آوایی فارسی را متأثر کرده است»، [گفتگو]، ضمیمه اطلاعات، ش ۲۳۹۴۰، شنبه ۲ تیر ۱۳۸۶، ص ۵.
- «سومین دوره جلسات انجمن مطالعات جوامع فارسی‌زبان»، [گزارش]، گزارش میراث، دوره ۲، س ۱، ش ۱۰-۱۱، تیر و مرداد ۱۳۸۶، ص ۴۹-۵۲.
- «فارسی‌شناسی»، [گفتگو]، بخارا، ش ۶۳، مهر و آبان ۱۳۸۶، ص ۶۲-۹۶.
- «گزارش کارگاه آموزشی؛ زبان‌شناسی»، گزارش میراث، دوره ۲، س ۲، ش ۱۳-۱۴، مهر و آبان ۱۳۸۶، ص ۱۵-۲۰.
- «منشأ واژگان معیار ادبی معاصر فارسی»، [متن سخنرانی]، گزارش فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دفتر ششم، پاییز ۱۳۸۶، ص ۹۹-۱۰۷. نیز در: آینه میراث، دوره جدید،

- س ۵، ش ۴، پیاپی ۳۹، زمستان ۱۳۸۶، ص ۶۳-۶۹.
- «نگاهی به برخی ویژگی‌های دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ»، [متن سخنرانی]، گزارش فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دفتر ۶، پاییز ۱۳۸۶، ص ۶۳-۶۷.
- «متن سخنرانی آقای دکتر علی‌اشرف صادقی [در هشتمین آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی]»، پیام بهارستان، س ۷، ش ۷۹، دی ۱۳۸۶، ص ۴۱-۴۳.
- «یک ذهن بزرگ؛ درباره‌ی دوست دانشمندم احمد تفضلی»، شهروند امروز، س ۲، ش ۳۷، پیاپی ۶۸، یکشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۸۶، ص ۸۳.
- «سفر در تاریخ با ۳۵ میلیون واژه فارسی»، [گفتگو]، کتاب هفته، ش ۱۴۷، پیاپی ۷۹۸، شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۸۷، ص ۱، ۱۰.
- «نه سنتی، نه مدرن» [گفتگو. درباره‌ی ابوالحسن نجفی]، ضمیمه‌ی روزنامه‌ی اعتماد، ش ۱۸۷۰، دوشنبه ۳۰ دی ۱۳۸۷، ص ۱۱.
- «نشست: کتابشناسی ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی در بوته‌ی نقد»، [گفتگو]، کتاب ماه کلیات، س ۱۲، ش ۵، پیاپی ۱۳۷، اردیبهشت ۱۳۸۸، ص ۱۲-۲۳.
- «دوست دارند تعداد تألیفاتشان صفر بیشتری داشته باشد»، [گفتگو]، گزارش میراث، دوره ۲، ضمیمه‌ی ش ۲، تیر ۱۳۹۱، ص ۹۲-۹۳.
- «فرهنگ‌نویسی در شبه‌قاره»، [گزارش]، تنظیم سهیلا یوسفی، گزارش میراث، دوره ۲، س ۷، ش ۱-۲، پیاپی ۵۶-۵۷، فروردین - تیر ۱۳۹۲، ص ۱۴۳-۱۵۰.
- «نشست تخصصی نقد و بررسی کتاب دستور زبان فارسی»، [گفتگو]، کتاب ماه ادبیات، ش ۷۷، پیاپی ۱۹۱، شهریور ۱۳۹۲، ص ۲-۱۳.
- «مصوبات فرهنگستان ضمانت اجرایی چندانی ندارد»، [گفتگو]، نامه‌ی شورا، ش ۷۱، تیر ۱۳۹۳، ص ۷۷-۸۴.
- «فرهنگ‌نویسی در شبه‌قاره از ابتدا تا قرن ۱۰ هجری (تاریخ فرهنگ‌نویسی)»، [متن سخنرانی]، شبه‌قاره (ویژه‌نامه‌ی نامه‌ی فرهنگستان)، ش ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۳۸۱-۳۹۲.
- «وجه تفسیری ادبیات بی‌نهایت است»، [گفتگو]، آزما، ش ۱۰۴، مرداد و شهریور ۱۳۹۳، ص ۳۶-۳۹.
- «خط فارسی و درست و غلط در زبان»، [گفتگو]، ویراستار: کتاب دوم، زیر نظر شورای ویراستاران، تهران، شرکت انتشارات فنی ایران، ۱۳۹۵، ص ۱-۳۰.



به مهمانی زبان شیرین فارسی خوش آمدید!

ژاله آموزگار

امروز همه مهمان زبان فارسی هستیم. میزبان اصلی ما روانشاد دکتر محمود افشار یزدی و خاندان افشار است. مهمان ویژه ما دکتر علی اشرف صادقی و من هم مانند شما یکی از مهمانان. میزبان اصلی ما یزدی تبار است، مهمان ویژه ما زاده قم است، من از آذربایجانم و تک تک شما هر کدام به خطه‌ای از این سرزمین دوست‌داشتنی تعلق دارید، ولی آنچه همه ما را در این محفل یک‌دل کرده است، زبان فارسی است.

همه ما به جز این زبانی که هویت دیرینه ما را با شاهنامه فردوسی، با قصائد رودکی، عنصری، فرخی و...، با رباعیات خیام، با تکبیت‌های فراموش‌نشده صائب، با نثر روان بیهقی، با سخنان حکمت‌بار سعدی، با غزلیات آسمانی حافظ، با معنویت سروده‌های مولوی بزرگ رقم می‌زند، با زبان زادگاه خود نیز آشنایی تنگاتنگ داریم؛ همچنان که همه بزرگان را که نام بردم و بسیاری دیگر را که می‌بایست برشمارم، از جای‌جای ایران عزیز برخاسته‌اند و مانند من و شما با زبان زادگاه خود نیز آشنایی داشته‌اند. من با حیدربابای شهریار به دوردست‌های آذربایجان سفر می‌کنم، و با ترانه آن روستایی هم‌زبان می‌شوم که جلوی در خانه را آب می‌پاشد که وقتی یارش می‌آید غباری برنخیزد که پرده‌ای میان او و دلدار باشد. دوست دیگری از میان شما با ترانه‌ای کردی هم‌نوا شده است و دیگری با روایتی بلوچی و دوستان دیگر با سروده‌های گیلکی و مازندرانی و خراسانی و... اما همه ما با یک زبان واحد شعر فردوسی را می‌خوانیم و توانایی را در دانایی‌ها می‌یابیم، با ضرب‌آهنگ زیبای شعر «زلف‌آشفته و خوی‌کرده و خندان لب و مست» به دنیای آسمانی حافظ گام می‌نهیم، با همین زبان با مولوی هم‌آواییم و از جمادی می‌میریم و نامی می‌شویم، با همین زبان با منوچهری دختر رز را قربانی می‌کنیم، با همین زبان ارادت بیهقی را به بونصر مشکان درمی‌یابیم و بر حسنک وزیر اشک می‌ریزیم، با همین زبان بر خرابه‌های ایوان مدائن با

دیده حسرت می‌نگریم، با همین زبان با خیام بر لب جوی می‌نشینیم و گذر عمر می‌بینیم و با همین زبان با سهراب سپهری زمزمه می‌کنیم که «چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید» و با همین زبان با قیصر امین‌پور با دریغ می‌گوییم: «ای دریغ و حسرت همیشگی، ناگهان چقدر زود دیر می‌شود.»

و اینجاست که همه با هم یکی می‌شویم و با هم با همین زبان خدا را به یاری می‌طلبیم که نگاهدار ایران ما و فرهنگ و زبان ما باشد و همگی ایمان می‌آوریم به جادوی کلام در زبان فارسی.

دکتر محمود افشار یزدی هم، چون شما و من عاشق این سرزمین بوده است و راز بقای آن را در حفظ زبان فارسی دیده است. او به نسل عاشقان راستین ایرانی تعلق دارد که صمیمانه، عاقلانه، بدون شعار و از ته دل غم ایران داشته‌اند. او از این رو دارایی خود را وقف بنیادی کرده است که در خدمت زبان فارسی باشد. چون رمز پایداری و جادوی جاودانگی ایران را در این دیده است و به بازماندگانش تکلیف کرده است که این زبان را بپایید و خدمتگزاران این زبان را دلگرم و بزرگ دارید.

این بار با انتخابی بسیار به‌جا از سوی موقوفات خاندان افشار، علی‌اشرف صادقی به عنوان یکی از خدمتگزاران و دلسوزان واقعی این زبان برگزیده شده است. کارنامه درخشان او در خدمات فرهنگی و فهرست کتاب‌ها و مقالات او در شناسایی و اعتلای زبان فارسی در اختیار شماسست و مرا از دوباره برشمردن آنها بازمی‌دارد.

آشنایی من و دکتر صادقی به بیش از نیم‌قرن پیش و به سال‌های آغازین دهه چهل خورشیدی برمی‌گردد. در محوطه دانشگاه سوربن، در جوار دیوارها و مجسمه سنگی آن جوان لاغراندازی را دیدم. گفتند فلانی است، جزء دانشجویان بورسیه شاگردان اول است، بسیار جدی است و شدیداً طالب علم. غالباً در کتابخانه‌هاست و به دنبال منابع برای رشته زبان‌شناسی که برگزیده است، از این کلاس به آن کلاس می‌رود و هیچ فرصتی را برای پیشبرد اهداف تحصیلی‌اش از دست نمی‌دهد. در کلاس‌های بنویست هم‌دیگر را می‌دیدیم و در همان سال‌ها کلاسی را به همراهی او و فیلیپ ژینیو و زنده‌یاد احمد تفضلی در محضر دومناش، استاد راهنمای دکتری من، متون پهلوی و دینکرد خواندیم.

او با موفقیت از رساله دکتری خود با راهنمایی آندره مارتینه در سال ۱۳۴۶ دفاع کرد و به ایران بازگشت.

قریب به اتفاق ما بورسیه‌های آن دوران، همگی از بختی که یارمان شده بود نهایت استفاده را بردیم. خوب درس خواندیم و برگشتیم و به خدمت ایران کمر بستیم. از آن پس در ایران آشنایی من و دکتر صادقی به دوستی انجامید. در گروه زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران همکار شدیم؛ گروهی که در دانشکده ادبیات به دلیل

استادان ارزنده‌اش بسیار خوش درخشید. دکتر صادقی از آن پس از مسیری که از جوانی در پیش گرفته بود، منحرف نشد و همیشه پژوهشگری ماند وفادار و در خدمت مسائل زبان فارسی.

دوستان ما به خاطر دارند که او همیشه با مدادی کوچک که در جیب دارد نکته‌های جالب را با نکته‌سنجی‌های خاص خودش، می‌بیند، یادداشت می‌کند و همه اینها تبدیل به مقالاتی سودمند می‌شوند که فهرست بالابلند آن در دسترس همگان قرار دارد.

او زبانشناسی است که ارتباطی تنگاتنگ با ادبیات فارسی و ادبیات و زبان‌های باستانی ایران دارد و از این نظر در میان زبان‌شناسان ایران از برتری خاصی برخوردار است و او همه این اطلاعات خود را در خدمت زبان فارسی قرار داده است و از این رو در این رشته فرد بسیار موفق است.

دلایل موفقیت‌های او را می‌توانیم به این صورت برشماریم:

استعداد و هوش ذاتی او، علاقه به تحصیل از ابتدای نوجوانی، زیربنای خوب تحصیلات دبیرستانی به دلیل داشتن دبیران باسواد، انتخاب رشته دانشگاهی مطابق ذوق و استعداد، یعنی به دلیل دانش‌آموز برجسته بودن برخلاف خواسته درونی خود به سوی تحصیلات پزشکی و مهندسی کشیده نشد و ظاهراً در این راه ممانعتی هم از جانب خانواده ندید. بخت این را داشت که محضر استادان برجسته‌ای همچون زنده‌یادان فروزانفر، همایی، پورداود، مدرّس رضوی، محدّث ارموی، محمد معین، صفا، پرویز ناتل خانلری، صادق کیا و صادق گوهرین را دریابد.

بورس تحصیلی را که به دست آورد، مانند همه هم‌دوره‌های ما، حاصل کوشش‌های علمی او بود، نه چیز دیگر. در فرانسه از هر موقعیتی برای پیشبرد مطالعاتش بهره گرفت و در بازگشت، دانشگاه تهران جذبش کرد و با کسانی همکار شد که همچون خود او با تلاش و علم خود به این مقام رسیده بودند.

در فرصت‌های مطالعاتی که برایش پیش آمد سعی کرد بر دانسته‌های خود بیفزاید. تسلط به چند زبان خارجی یاریگر او بود برای استفاده از پژوهش‌های دانشمندان کشورهای دیگر در زمینه زبان فارسی. آگاهی‌های او از زبان‌های باستانی، به مطالعات او زیربنای علمی بیشتری بخشید و بالأخره این علی‌اشرف صادقی شد که ما به وجودش افتخار می‌کنیم. اما فراموش نکنیم که بخش اعظم موفقیت‌های دکتر صادقی مرهون همسر همراه، صمیمی، قدرشناس و فداکار اوست. همزیستی با دانشمندان و عاشقان پژوهش کار آسانی نیست. فداکاری‌های بسیار می‌طلبد که پوران عزیز به حد کافی از آن برخوردار بوده است. فرزندان برومند و موفق او بابک، بیژن و آذین، به زندگی این زوج آرامش بخشیده‌اند و هرگز مسئله‌ساز نبوده‌اند.

من بسیار خوشحالم که دکتر صادقی دانشمند برگزیده امسال موقوفات افشار است. خداوند بر تعداد چنین خدمتگزاران و عاشقان زبان فارسی بیفزاید. زمان غریبی است! و زبان فارسی ما با این گذشته و حال درخشان و با این زبان‌آوران گذشته و حال به کجا چنین شتابان می‌شتابد؟ او را دریابیم که دلش گرفته است، افق‌ها را برایش تنگ کرده‌ایم، در برابر یورش‌ها تنه‌ایش نگذاریم، همگی با هم هوشمندانه یاری‌اش کنیم و برای پاسداری از سرزمینمان، برای افتخارات گذشته و حال و آینده‌مان، برای حفظ هویتمان زبان شیرین فارسی را پاس بداریم.



علی اشرف صادقی

حسین سامعی

مطالعات زبانی نوین در ایران تاریخی تقریباً یکصدساله دارد. این گفتار می‌کوشد جایگاه علی اشرف صادقی^۱ را در این مطالعات نشان دهد و بر اهمیت تاریخی مرتبه علمی او تأکید کند. حوادث سال‌های آغازین قرن بیستم میلادی نقطه عطفی در تغییر نگاه جامعه ایران به خود و زبان خود است. این تغییر هم در تحولات زبان و شیوه کاربرد آن بازتاب دارد و هم در مطالعات زبانی. رویکرد انتقادی به علوم انسانی، و به‌ویژه زبان، از اوایل قرن بیستم در میان اهل فکر و قلم در ایران شکل می‌گیرد. این رویکرد محصول آشنایی مستقیم یا غیرمستقیم با شیوه‌های مطالعاتی اروپاییان در دنیای مدرن است - رویکردی که تأکید را بر مشاهده واقعت عینی، آن‌گونه که دریافت می‌شود، و تلاش بر گردآوری هرچه بیشتر شواهد و سنجش آنها، با روشی تعریف‌شده، برای اثبات موضوع و استنتاج می‌گذارد. این رویکرد مدرن به زبان، از سویی، به تاریخ تحولات زبانی و ارتباط زبان‌ها می‌پردازد و، از سویی دیگر، می‌کوشد نظریه‌هایی عمومی برای مطالعه ساختمان زبان‌ها پپروراند. از آنجا که فارسی‌زبانان از قرن‌ها پیش نه تنها حجم عظیمی از متون زبانی و ادبی را تولید کرده بودند، بلکه رویکردهای مطالعاتی خاص خود را برای ارزیابی و نقد این متون نیز پدید آورده بودند، مطالعات زبانی خیلی زود در کانون توجه اهل فکر در ایران مدرن قرار می‌گیرد. در

۱ نگارنده ترجیح می‌دهد از دانشور موضوع این گفتار نه با عنوان «دکتر» یاد کند و نه «استاد». اولی حاکی از دارا بودن درجه‌ای دانشگاهی است، که در این سطح از حیثیت علمی نه اهمیتی دارد و نه - در صورت وجود - نیازی به اثبات؛ و دومی این روزها - اگر نه از روی تملق - بیشتر یا به کار تعارف می‌آید و یا برای جبران فقدان درجه دکتری. وانگهی در معرفی کدامیک از دانشوران بزرگ ایران مدرن نیازی به ذکر این عنوان‌ها بوده است؟ آنها فقط با نامشان شناخته می‌شده‌اند که تداعی‌کننده کارشان بوده است: بدیع‌الزمان فروزانفر، محمدتقی بهار، علی اکبر دهخدا، ایرج افشار یا محمدرضا شفیعی کدکنی و بسیاری دیگر. پس، با نهایت ادب و خضوع، ما در اینجا از علی اشرف صادقی صحبت می‌کنیم که خود اسمی معتبر است و اعتبارش را از مسمی می‌گیرد.

همین زمان است که برای نخستین بار کلمه «زبان‌شناسی» را محمد قزوینی به مفهومی بسیار عام برای توجه به امور زبانی به کار می‌برد، بی آنکه ضرورتاً به شاخه‌ای علمی اشاره کند. نخستین آثار این رویکرد تازه به زبان در مطالعات متن‌شناختی یا فیلولوژیک ظاهر می‌شود. درس‌خوانندگان و ادب‌شناسانی که در مدارس سنتی و حوزه‌های علمیه ایران پرورده شده بودند و عمیقاً با مسائل زبانی عربی و فارسی و آثار ادبی آشنا شده بودند به این نگاه انتقادی تازه جلب می‌شوند، آن را می‌آموزند و در تنقیح و تصحیح متون زبانی و مطالعات ادبی تاریخی به کار می‌گیرند. در نخستین دهه‌های قرن بیستم میلادی (چهاردهم خورشیدی) نخستین اثرات این رویکرد در انتشار انبوهی از متون و ویرایش شده فارسی نمودار می‌شود که در دقت علمی و اتکاء بر مستندات تاریخی دست کمی از مشابهات اروپایی خود ندارند. برای نسل ادب‌شناسان و متن‌شناسان عصر مشروطه، کسانی همچون محمدتقی بهار، محمد قزوینی یا حسن تقی‌زاده، متون و مطالعات زبانی محور و ستون همه‌گونه بررسی تاریخی و اجتماعی است. در این راه آنان نه تنها به میراث ادب فارسی و عربی - که به اندازه کافی با آن آشنا هستند - توجه می‌کنند، بلکه از رهگذر مطالعات اروپاییان می‌کوشند زمینه‌های این میراث را در دوران ماقبل اسلامی نیز دنبال کنند و، از این رو، به یادگیری زبان‌های دوره‌های قدیم و میانه ایرانی و خواندن و ترجمه متون آنها همت می‌گمارند.

عطش «شناختن» و «بررسیدن» زبان به این شیوه در تمام دهه‌های بعد ادامه می‌یابد. نسل دوم و شاگردان این گروه از اهل ادب، در زمان پهلوی اول و یکی دو دهه بعد از آن، همچنان پایی در سنت و پایی دیگر در مطالعات فیلولوژیک به شیوه اروپایی دارند. کسانی همچون بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال همایی یا ابراهیم پورداود زبان‌دانان و متن‌شناسانی متبحر هستند که با نکته‌سنجی‌های زبانی و ادبی فوق‌العاده‌ای متون را می‌کاوند و، ضمن تنقیح و تصحیح آنها، از دلشان صورت درست عبارات، ریشه کلمات، قواعد تاریخی کاربرد زبان، و صحت و سقم مطالب و حوادث را استخراج می‌کنند. از رهگذر همین کوشش‌ها است که رفته‌رفته بسیاری از نسخه‌های خطی فارسی موجود در گوشه و کنار جهان شناخته، تصحیح و منتشر می‌شود. نسل سوم این کوشندگان نیز کمابیش به همین راه می‌رود. کسانی همچون مجتبی مینوی، محمد معین یا محمدامین ریاحی در دهه‌های بعد و عصر پهلوی دوم راه استادانشان را ادامه می‌دهند.

اما از اواسط دهه پنجاه میلادی (دهه سی خورشیدی)، با ورود دانش‌آموختگانی که در کشورهای غربی زبان‌شناسی جدید خوانده‌اند، نگاه تازه‌ای به مطالعات زبانی در ایران سر بر می‌آورد. در این نگاه تازه زبان پدیده‌ای صرفاً تاریخی و خاص متون ادبی نیست، بلکه نهادی انسانی و اجتماعی است که از سویی ساختار و قواعد درونی ویژه خود را دارد و

از سوی دیگر در جریان تعاملات اجتماعی همواره در معرض تغییر و تبدیل است. در این زمان دیگر بیش از نیم قرن از پیدایش زبانشناسی نوین به عنوان یک شاخه علمی جدید در جوامع غربی، از روسیه تا آمریکای شمالی، گذشته است و دستاوردهای آن بر تمام مطالعات زبانی، ادبی و متن‌شناختی (فیلولوژیک) اثری چشمگیر گذارده است و تمام رویکردها و روش‌ها را متحول کرده است. در همین زمان است که کسانی همچون احسان یارشاطر یا پرویز ناتل خانلری، که در اروپا تحصیل کرده‌اند، با نوشته‌هایشان پای مفاهیمی تازه را به حوزه مطالعات زبانی باز می‌کنند.

این گروه تازه از دانشوران زبان و روش‌های پیشنهادی آنان مسیر تازه‌ای را در مطالعات زبانی می‌گشاید که، دست‌کم در آغاز، از سوی گروه سنت‌گرای نخست دنبال نمی‌شود. این دوگانگی رویکرد و روش، بیش از هر چیز، در برنامه‌های دانشگاهی بازتاب می‌یابد. وقتی در نیمه دهه ۶۰ میلادی بخش «زبانشناسی و فرهنگ و زبان‌های باستانی» در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تأسیس می‌شود، این بخش به سرعت به کانون تجمع دانشورانی بدل می‌شود که در کشورهای غربی تحصیل کرده‌اند و با نظریات زبانشناسی نوین آشنا هستند. حتی آن دسته از استادان این بخش که رشته‌شان زبان‌ها و متون ایرانی پیش از اسلام است نیز، به دلیل نوع و محل تحصیلشان، با زبانشناسی نوین قرابت بیشتری احساس می‌کنند تا با مطالعات فیلولوژیک نسل‌های قبل. در مقابل، بخش «ادبیات فارسی» همین دانشکده مرکز تجمع استادانی است که همچنان به روش‌های نسخه‌شناسی، متن‌شناسی و نقد ادبی سنتی وفادارند و از نزدیکی به روش‌های زبانشناسی نوین پرهیز می‌کنند، بلکه حتی نوعی رقابت نیز با گروه اخیر احساس می‌کنند یا می‌پروراندند. نتیجه این دوگانگی تا سال‌ها تربیت دو گروه از دانش‌آموختگانی بود که هر یک راه خود را دنبال می‌کرد و از کار دیگری بی‌خبر بود. دانشجویان زبانشناسی غالباً با ادبیات و متون ادبی کلاسیک بیگانه بودند، و دانشجویان ادبیات فارسی نیز رغبت چندانی به روش‌های پژوهشی مدرن نشان نمی‌دادند - وضعیتی که تا حدودی تا امروز نیز آثارش مشهود است.

بدین ترتیب، بخش «زبانشناسی و فرهنگ و زبان‌های باستانی» دانشکده ادبیات از دهه ۷۰ میلادی مهم‌ترین مرکز آموزش شیوه‌های نوین مطالعات زبانی شد. استادان این بخش، کسانی همچون محمدرضا باطنی، هرمز میلانیان، یدالله ثمره و علی محمد حق‌شناس، هریک به گوشه‌ای از این مطالعات نظر داشتند. یکی نظر به ساخت‌های نحوی و معناشناسی داشت، دیگری به ساختار عمومی زبان؛ یکی به نظریه‌های ادبی می‌پرداخت و دیگری به نظام آوایی. مطالعه فرهنگ و زبان‌های باستانی هم موضوع کار کسانی همچون احمد فضل‌ی و ژاله آموزگار بود.

تقریباً در همین زمان است که علی‌اشرف صادقی نیز به این بخش می‌پیوندد. او از

شهری مذهبی و از خانواده‌ای روحانی و فرهنگی می‌آید و در مدارسی آموزش دیده است که در آنها همچنان شیوه‌های سنتی آموزش علوم انسانی، زبان و ادبیات غلبه دارد. بنابراین طبعاً تربیت او در نوجوانی و جوانی مبتنی بر نگرش‌های سنتی زندگی و تفکر است. سپس، وارد رشته ادبیات دانشگاه تهران می‌شود که در سال‌های دهه ۶۰ دژ مستحکم مطالعات سنتی است و در مجلس درس استادانی همچون بدیع‌الزمان فروزانفر، ابراهیم پورداود و محمد معین می‌نشیند. ولی سرانجام گذارش به پاریس می‌افتد، که در آن سال‌ها یکی از دو مرکز مهم اروپایی مطالعات زبان‌شناسی نوین است، و زبان‌شناسی عمومی می‌خواند. آندره مارتینه، که رشدیافته مکتب زبان‌شناسی ساختگرایی اروپایی است، استاد او است. در این مکتب، برخلاف نظریات رایج زبان‌شناسی آن زمان در آمریکای شمالی، جنبه‌های تاریخی، اجتماعی و تطوری زبان با مطالعات ساختگرایانه در هم تنیده است. این محیط آکادمیک و آن علائق قبلی او را به یادگیری زبان‌های باستانی ایرانی و شاگردی ژان پیر دُمناش می‌کشاند و از آنجا به حضور در جلسات درس امیل بنونیست، زبان‌شناس و هندواروپایی‌شناس برجسته قرن بیستم.

این مجموعه چندسویه مطالعات زبانی علی‌اشرف صادقی را در موقعیتی خاص قرار می‌دهد. او از سویی در کار با استادان ادیب، زبان‌دان و متن‌شناس ایرانی دانشی قابل ملاحظه از میراث زبانی و ادبی فارسی اندوخته است و با روش‌های کار آنان به اندازه کافی آشنا است. با لغت‌شناس برجسته‌ای مثل محمد معین کار کرده است، با بدیع‌الزمان فروزانفر متون نظم و نثر فارسی را خوانده است و با ابراهیم پورداود به فرهنگ ماقبل اسلامی ایران سر زده است. در اروپا، در وهله اول و مهم‌تر از هر چیز، با دانش نوین زبان‌شناسی عمومی و روش‌های پژوهش زبانی آشنا می‌شود و سپس با مطالعات تاریخی زبان‌های ایرانی. این جامعیت به او امکان می‌دهد نقشی واسطه به عهده گیرد و او را بدل به رشته پیوند زبان‌شناسی جدید، زبان‌شناسی تاریخی و مطالعات فیلولوژیک سنتی می‌کند - پلی میان بخش «زبان‌شناسی و فرهنگ و زبان‌های باستانی» و بخش «ادبیات فارسی» در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.

این همه علی‌اشرف صادقی را در جایگاهی بی‌بدیل در مطالعات زبان فارسی و محیط دانشگاهی ایران قرار می‌دهد. او زبان‌دانی قابل است. فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی را به خوبی می‌داند، با آلمانی و روسی کار می‌کند، فارسی میانه را می‌داند، با زبان‌های باستانی دیگر آشناست و، دست آخر، زبان‌های ایرانی و گویش‌های فارسی را می‌شناسد. هر چند خود معتقد است بیش از هر چیز به لغت علاقمند است، اما حوزه مطالعاتش از آواشناسی و واج‌شناسی تا صرف و نحو و فرهنگ‌نگاری و نیز گویش‌شناسی را در بر می‌گیرد. و در همه این مطالعات هم نگاه به وضعیت کنونی زبان فارسی دارد و هم به گذشته و تاریخ آن.

هم بر منابع، آثار و متون زبانی کلاسیک احاطه دارد، هم آثار نظری جدید را می‌شناسد و هم از تحقیقات دیگران در موضوع مورد مطالعه خود مطلع است. آنچنان دقیق‌النظر است که در مطالعه یک موضوع، از بررسی حروف اضافه مهجور گرفته تا معرفی یک متن تاریخی ناشناخته، از هیچ نکته‌ای فروگذار نمی‌کند و هیچ منبع ممکن را نادیده نمی‌گذارد، به طوری که هر گفتار او ناگهان حاوی ده‌ها نکته زبانی معاصر، تاریخی یا گویش‌شناختی می‌شود که بعید می‌نماید در هیچ جای دیگری با آن جامعیت و دقت یافت شود.

علی‌اشرف صادقی تا کنون صدها مقاله، گفتار یا یادداشت چاپ کرده است. هر یک از آنها حاوی نکته‌ای بدیع است که پیش از او کسی به آن صورت به آن نپرداخته است. در پشت هر یک از این مقالات عالمی نشسته است که می‌کوشد برای سؤالات زبانی خود و دغدغه‌های علمی‌اش پاسخی بیابد. کار او عرضه معلومات و اطلاعات حاصل از مطالعاتش نیست. همچنین نمی‌خواهد بازار انتشارات خود یا دیگران را داغ کند. در کار او، هر مقاله یک مطالعه است، سفری است از یک پرسش برای رسیدن به پاسخ‌های محتمل و ارائه سخاوتمندانه آنها به شاگردان یا خوانندگان.

علی‌اشرف صادقی شیفته زبان فارسی است، میراث آن را می‌شناسد و به آن ارج می‌نهد. با این همه، بر خلاف بسیاری کسان، این شیفتگی چشم او را بر واقعیت نبسته است. او می‌تواند با ذهنی باز و نگاهی عالمانه و عاری از تعصب تغییرات زبانی فارسی را مشاهده کند، مطالعه کند و، اگر لازم باشد، از وقوع ناگزیر آنها نیز دفاع کند. در ورای چهره آرام او عالمی نشسته است فراخ‌ذهن، بلندنظر و سخی با دانشی چشمگیر و روشی معجب‌کننده. او نمونه‌اعلای یک دانشمند است.



سلسله‌جبال زبان فارسی

ابوالفضل خطیبی

استاد نازنین ما دکتر علی‌اشرف صادقی کوه نیست، سلسله‌جبال است با قلّه‌هایی که سر بر آسمان می‌سایند. در بهاران، در دامنهٔ این سلسله‌جبال برف‌ها آب می‌شوند و خلقی را سیراب می‌کنند. این سلسله‌جبال را چگونه توانم وصف کرد، در حالی که من که بیست سال آزرگار زیر دست او کار و تحقیق کرده‌ام، فقط اندکی از آب‌های روان جاری از دامنهٔ این کوه‌ها را نوشیده‌ام. بخش‌های وسیعی از این سلسله‌جبال هنوز برای من و برای بسیاری دیگر ناشناخته است و قلّه‌هایی که هنوز سر در مه دارند و کسی را یارای دیدن آنها نیست. افراد بسیاری چون من دیر راهشان را پیدا می‌کنند و تا پایان بر آن راه می‌پویند، ولی از بختیاری‌های زبان فارسی این بود که استاد صادقی از همان دوران دبیرستان راهش را یافت و در یک خانوادهٔ فرهنگی با پدری که به شغل شریف معلّمی اشتغال داشت، اصرار داشت که زبان و ادبیات فارسی بخواند. همچنان‌که از بختیاری ایران‌شناسی این بود که تئودور نولدکه نابغه در اثر یک اتفاق - پیشنهاد یان دخویه به او برای تصحیح بخش ساسانیان تاریخ طبری - از مطالعات سریانی و عربی به ایران‌شناسی روی آورد.

استاد ما از همان دبیرستان زبان عربی را به خوبی فرا گرفت که پایهٔ فهم زبان و ادبیات فارسی بود و با زبان فرانسه نیز آشنا شد. در زمانه‌ای که افراد باهوش به تشویق خانواده در دانشگاه پزشکی یا مهندسی می‌خواندند، استاد رشتهٔ مورد علاقه‌اش زبان و ادبیات فارسی را برگزید. از نیک‌بختی‌های او این بود که نزد بزرگ‌ترین استادان این رشته مانند بدیع‌الزمان فروزانفر، ابراهیم پورداود، محمد معین، پرویز ناتل خانلری، جلال‌الدین همایی و دیگران درس خواند و برای ادامهٔ تحصیل در رشتهٔ زبان‌شناسی راهی دانشگاه سوربن پاریس شد و باز هم از بختیاری زبان فارسی بود که استعداد و نبوغ ذاتی استاد ما زیر نظر بزرگ‌ترین زبان‌شناسان آن روز فرانسه یعنی آندره مارتینه و امیل بنونیست نیک شکوفا شد. استاد

همیشه به ما می‌گفت: در فرانسه در برابر گول‌های زبان‌شناسی عمومی من چه تحفه‌ای می‌توانستم داشته باشم و باید تا آخر عمر نظریه‌های آنان را درس می‌دادم و یا آثار آنان را ترجمه می‌کردم، ولی از دانش زبان‌شناسی عمومی آنچه برای من اهمیت داشت این بود که چگونه می‌توانستم این دانش را در خدمت زبان فارسی درآورم.

یکی دیگر از دستاوردهای استاد ما که او را نسبت به سایر استادان زبان فارسی متمایز می‌کند این بود که در همان زمان تحصیل نیک دریافت که زبان فارسی گیاه خودرُستی نبود که پس از اسلام یکباره سر برآورده باشد و طبعاً ریشه در دنیای باستان داشته است. پس برای فهم عمیق زبان فارسی باید ریشه‌های آن را در دوره باستان کاوید و به همین منظور همراه با دوستان صمیمی‌اش زنده‌یاد دکتر احمد تفضلی و دکتر ژاله آموزگار نزد دومناش و بنونیست پهلوی خواند و همین مطالعات بعدها به او کمک کرد که بر زمینه‌های تاریک تکوین تاریخ زبان فارسی پرتوهای تازه‌ای افکند.

یکی دیگر از ویژگی‌های منحصر به فرد استاد ما این است که او در چند زمینه اساسی در پژوهش‌های مربوط به زبان فارسی متخصص تمام‌عیار است: متن‌شناسی، فرهنگ‌نویسی، گویش‌شناسی، دستور، واج‌شناسی و آواشناسی تحولات تاریخی زبان فارسی، ریشه‌شناسی، زبان عربی، و به این مجموعه می‌توان آشنایی او به زبان فارسی میانه، زبان‌های اروپایی به‌ویژه انگلیسی، فرانسه، آلمانی و روسی را نیز افزود. بارها و بارها بیتی را در برابر استاد قرار دادیم تا معنی کنند و آنچه به خوبی درمی‌یافتیم این بود که اگر نبوغ ذاتی و تخصص‌های او در چندین حوزه نبود، امکان نداشت بیت را چنان معنا کند که برای ما قانع‌کننده باشد و باز هم از بختیاری فرهنگ جامع زبان فارسی بود که چنین شخصیتی در رأس آن قرار گرفت، زیرا برای تدوین چنین فرهنگی بی‌گمان لازم است شخصی با دارا بودن چنین تخصص‌هایی - و البته تخصص‌های دیگر - راهنمای پژوهندگان باشد.

تردید ندارم که استاد ما نابغه است، هوشی سرشار دارد و حافظه‌ای قوی و گویی از خاطرات زندگی خود فیلمی طولانی گرفته و ذخیره کرده است و هرگاه به هر بخشی از آن که نیاز اوفتد فلاش‌بک می‌کند و آن را با جزئیات به نمایش می‌گذارد و بازگو می‌کند. بارها و بارها درباره موضوع پژوهش خود با ایشان مشورت کرده‌ام و هیچ به یاد ندارم که دست مرا خالی گذاشته باشد. مثلاً می‌گوید: در این باره پورداود در هر مزدنامه مطلبی نوشته یا مقاله‌ای است در مجله سخن سال فلان و یا بیلی یا هنینگ هم در کجاها بحث کرده‌اند. جالب اینکه همه این منابع را نیز در منزل دارد و از دوران دبیرستان متون مربوط به زبان فارسی را با وسواس تمام گرد آورده است و حتی غالب متون فارسی چاپ‌های سنگی هند و کتاب‌های ایران‌شناسی به زبان‌های اروپایی را با زحمت برای کتابخانه خود فراهم کرده است. بایگانی مجلات پژوهشی داخلی و خارجی استاد هم بی‌نظیر است. سال‌هاست که خود از نزدیک

شاهد هستم گاهی هر هفته مجلات خود را می‌برد جلوی دانشگاه و می‌سپارد به صحاف مخصوصش تا هر دوره را تجدید کند و باز هفته دیگر دسته‌ای دیگر از مجلات را می‌برد و مجلات تجدیدشده هفته پیش را می‌گیرد. تقریباً هر سال افتخار آن را داشتیم که در فصل نمایشگاه کتاب، او را در خرید کتاب‌ها و مجلات همراهی کنم. با اینکه هجده سال از استاد جوان‌ترم، گاهی کم می‌آوردم و او چنان با انرژی و با چابکی به دنبال خرید کتاب‌های مورد نیازش گشت می‌زد که به راستی اعجاب مرا برمی‌انگیخت. باید همه غرفه‌های فارسی و عربی و دانشگاهی و زبان‌های خارجی را زیر پا می‌گذاشتیم و پس از ساعت‌ها گشت‌زنی با انبوه کتاب‌های خریداری شده بازمی‌گشتیم و حتی یک بار نشیندم که بگویم خسته شدم. استاد ما به جد اعتقاد دارد که نوشتن مقاله مهم‌تر از نوشتن کتاب است. بزرگ‌ترین محققان خارجی بیشتر به نوشتن مقاله اهمیت می‌دهند تا کتاب و همین درست است. اگر پژوهنده‌ای نظری دارد به سادگی می‌تواند در یک مقاله آن را پروراند و عرضه کند و مخاطبان هم می‌توانند با صرف وقتی حدود یک ساعت آن را بخوانند و بهره ببرند. متأسفانه در کشور ما بسیاری به نوشتن کتاب آن هم در حجم و شمار زیاد بیشتر علاقه نشان می‌دهند و با افسونگری و کیمیاگری می‌توانند یک مقاله را به یک کتاب تبدیل کنند، ولی استاد ما گاهی محتوای یک کتاب را در یک مقاله خلاصه می‌کند. اکنون مقالات بسیاری از دکتر صادقی برای ما به یادگار مانده است و نگارنده به تجربه دریافتم که بیشتر این مقالات را بارها و بارها باید خواند و به ذهن سپرد. گاهی بحث‌های استاد درباره‌ی یک واژه می‌تواند راهنما و سرمشق پژوهندگانی باشد که پای در وادی پژوهش در زبان فارسی نهاده‌اند.

استاد ما اردیبهشتی است و می‌گویند متولدین این ماه سه ویژگی اساسی دارند: شکیبایی فراوان، پشتکار و نرم‌خویی. نمی‌دانم همه اردیبهشتی‌ها چنین ویژگی‌هایی دارند یا نه، ولی این را خوب می‌دانم که هر سه ویژگی در وجود استاد ما نهادینه شده است. نیک به یاد دارم که حدود بیست سال پیش که فرهنگستان در خیابان بخارست قرار داشت، روزی به من گفت: برویم کتابخانه مینوی، می‌خواهم ضبط فلان واژه را در نسخه‌ای از مجمل‌التواریخ و القصص ببینم. کنار خیابان عباس‌آباد قدم‌زنان رفتیم تا کتابخانه در تقاطع شریعتی - عباس‌آباد. نسخه را برای او آوردند و با صرف وقت واژه مورد نظر را یافت و یادداشت کرد. همین رفتار استاد تأثیر ژرفی بر ذهن و روح من که در آن زمان در اوج جوانی بودم، نهاد و از همان زمان نیک دریافتم که برای عرضه‌ی یک پژوهش علمی کارآمد باید زحمت کشید و وسواس و شکیبایی به خرج داد تا نتیجه کار مقبول اهل نظر اوفتد. نمونه بارز شکیبایی استاد ما در مدیریت گروه فرهنگ‌نویسی رخ نمود. در اوایل کار گروه فرهنگ‌نویسی بود که به این گروه پیوستم و استاد را در فراز و نشیب‌های کار فرهنگ جامع زبان فارسی همراهی کردم و اکنون که به گذشته می‌نگرم، نیک معلوم می‌شود که اگر

شکلیابی خارج از تصوّر و درایت و تدبیر دکتر صادقی نبود، طرح فرهنگ‌نویسی و فرهنگ جامع زبان فارسی هرگز پا نمی‌گرفت. در اوایل کار به خوبی دریافته بودیم که برای تهیه پیکره زبانی فرهنگ باید از یک برنامه رایانه‌ای کارآمد بهره برد تا پژوهشگران به سادگی بتوانند به لغات و ترکیبات و شواهد متون دسترسی یابند. نزدیک یک سال با شرکت‌های مختلف رایانه‌ای مذاکره کردیم و بزرگ‌ترین مشکل ما این بود که مهندسان رایانه حرف‌های ما را در نمی‌یافتند و ما هم حرف‌های آنها را. ولی این همه ماجرا نبود، در مواردی هم که حرف‌های همدیگر را تا حدی می‌فهمیدیم، سودجویی و منفعت‌طلبی این شرکت‌ها از یک سو و وضعیت نابه‌سامان مالی فرهنگستان از سوی دیگر عقد قرارداد را با دشواری مواجه می‌کرد. امور مالی فرهنگستان گفته بود باید مناقصه برگزار شود و ما هم مناقصه برگزار کردیم. یک شرکت صد میلیون تومان پیشنهاد داد و شرکتی دیگر ده میلیون ولی امور مالی فرهنگستان ایراد گرفت که اختلاف زیاد است و باید مناقصه از نو برگزار شود و شد، ولی باز هم ایرادی دیگر و ایرادی دیگر و سرانجام برای نخستین بار دلگیری شدید دکتر صادقی را از این ماجرا آشکارا دیدم. در حالی که بر زحمت‌های بی‌حاصل یک سال گذشته افسوس می‌خورد، به من گفت: از خیر بانک رایانه‌ای گذشتیم، باید سریعاً پژوهشگر استخدام کنیم تا به صورت دستی متون را برگه‌نویسی کنند. پژوهشگران برگه‌نویسی را آغاز کردند و پس از مدتی با همکاری برخی مهندسان دلسوز رایانه، این برگه‌ها و در پی آن خود متون فارسی بر اساس شیوه‌نامه‌ای وارد رایانه شد و برنامه‌ای نیز برای آن طراحی شد و اکنون بزرگترین پیکره رایانه‌ای لغات و ترکیبات و شواهد متون فارسی از آغاز تا امروز در دسترس تعریف‌نگاران فرهنگ جامع زبان فارسی است و نرم‌افزار ویژه‌ای نیز برای تعریف‌نگاری فراهم شده است. مهم نیست که با انتشار سه جلد از فرهنگ جامع زبان فارسی، هنوز حرف «الف» به پایان نرسیده است، مهم این است که استاد ما با دانش منحصربه‌فرد و شکلیابی و تدبیر خود سنگ بنای کاخ عظیمی را با شیوه‌هایی جدید پی ریخته است که در آینده از هیچ باد و بارانی گزند نمی‌یابد. افزون بر اینها، دکتر صادقی در سال ۱۳۶۳ نخستین مجله تخصصی زبان‌شناسی را در مرکز نشر دانشگاهی بنیاد نهادند و پس از توقف انتشار آن در ۱۳۸۶، در همین سال، مجله تخصصی فرهنگ‌نویسی را در فرهنگستان زبان پایه‌گذاری کردند تا پایه‌ای تألیف فرهنگ جامع زبان فارسی، محلی باشد برای چاپ مقالات نظری فرهنگ‌نویسی و پژوهش‌های لغوی و نقد و بررسی فرهنگ‌ها.

استاد ما چه در دانشگاه و چه در فرهنگستان به معنای واقعی کلمه شاگردپرور و دانشجوپرور است و دانش خود را بی‌دریغ در اختیار آنان قرار می‌دهد. کافی است از چهار تن از دانشجویان سال‌های گذشته استاد نام ببرم که هم اینک هریک در شاخه‌هایی از زبان‌شناسی و زبان فارسی سرآمدند: دکتر محمد دبیرمقدم، دکتر یحیی مدرّسی، دکتر

علاء‌الدین طباطبایی و دکتر امید طیب‌زاده.

در اطاق استاد ما به روی همهٔ استادان و دانشجویان و پژوهندگان داخل و خارج فرهنگستان باز است. در بیشتر موارد، نیازی نیست کسی از رئیس دفتر ما وقت بگیرد، در می‌زنند و وارد می‌شوند و پرسش خود را مطرح می‌کنند و ایشان هم با حوصله‌ای مثال‌زدنی و دست‌ودلبازی تمام و با صرف وقت و انرژی پاسخ می‌گویند و من هم تا جایی که امکان دارد، به اطاقش می‌روم و به سخنان او گوش می‌سپارم. بارها دیده‌ام که پاسخ استاد به یک پرسش، حدود یک ساعت و حتی بیش از آن هم به درازا انجامیده است. سال‌های سال در گروه فرهنگ‌نویسی در جلسات پرشمار گروه در کنار استاد حضور داشتم و هیچگاه به یاد ندارم که او نظر خود را در مقام مدیر گروه، بی‌آنکه آن را در جلسات با حضور همکاران به بحث بگذارد و نظر موافق و مخالف را بشنود، به اجرا بگذارد. بارها دیده‌ام که پس از شنیدن استدلال‌های همکاران، از نظر خود بازگشته و نظر مخالف خود را پذیرفته است. حتی نقدهایی که بر کتاب‌ها و مقاله‌های استاد نوشته‌اند، با روی گشاده‌پذیری آنها بوده است و هیچگاه ندیدم که از آن نقدها دلگیر و آزرده شده باشد. همچنین داوری و ارزیابی علمی و اخلاقی او از استادان در گذشته و هم‌روزگار ما همیشه منصفانه بوده و هست. دکتر صادقی همیشه برای ما خاطراتی شیرین و شنیدنی از استادان هم‌روزگار خود تعریف می‌کند که بسیاری از آنها را یادداشت کرده‌ام و از یکی دو سال پیش به تدریج در صفحهٔ فیسبوکم به نام نامی او، با عنوان «صادقیات» منتشر کرده‌ام تا روزگاری شاید به صورت کتابی نیز به دست چاپ بسپارم. استاد ما بسیار خوش‌مشراب نیز هست، در سفر و حضر. من و دوستانم از هم‌سخنی با او هم بهرهٔ علمی می‌بریم و هم وقتمان به تمام معنا خوش می‌شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های اخلاقی استاد ما میانه‌روی در هر کاری است و همین ویژگی ممتاز بعلاوهٔ جامعیت علمی بی‌مانند او سبب شده است که از صدر تا ذیل فرهنگستان از مشورت با او بی‌نیاز نباشند. گذشته از شرکت در جلسات گروه فرهنگ‌نویسی و شورای فرهنگستان، شرکت در جلسات واژه‌گزینی و نشر آثار و نامهٔ فرهنگستان و داوری مقالات آن و جلسات مختلف دیگر، کار همیشگی ایشان در فرهنگستان است. به طور کلی نقش اساسی دکتر صادقی را در سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگستان به هیچ روی نمی‌توان نادیده گرفت. استاد ما دو سال پیش به بیماری سختی گرفتار آمد که حدود یک سال به درازا کشید و برخی از آثار آن هنوز هم با اوست. بعد از بهبودی به سراغش رفتم و گفتم: همهٔ ما نگران شدیم، برای بهبودی شما بسیار دعا کردیم. گفت: به گمانم همین دعاهای دوستان مرا از مرگ نجات داد. خوشم آمد که با مشت کوبیدم تو دهن عزرائیل! در پایان، بازهم دعای همیشگی خود را تکرار می‌کنم که استاد ما تندرستی خود را کاملاً بازیابند و عمرشان دراز باد، ایدون باد!



دکتر علی اشرف صادقی و زبان‌های ایرانی پیش از اسلام

احمد رضا قائم مقامی

اولین اعضای گروه زبانشناسی و زبان‌های باستانی ایران، که در سال ۱۳۴۳ شمسی در دانشگاه تهران تأسیس شد و کم از سی سال بعد به دو گروه زبانشناسی و فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران تجزیه گردید، بیشتر متخصص در زبان‌های ایرانی پیش از اسلام و گویش‌های ایرانی پس از اسلام بودند و این در مورد مؤسس گروه، دکتر محمد مقدم، نیز با آنکه در زبانشناسی تحصیل کرده بود، تا حدی صادق بود. پنج سالی پس از تأسیس بود که دکتر علی اشرف صادقی نیز به این گروه پیوست. جمع میان زبانشناسی و زبان‌های باستانی ایران و ادبیات فارسی البته خصوصیت او تنها در آن گروه نبود، اما هیچ‌یک از همکارانش در میان متخصصان زبان‌های باستانی ایران به مانند او در زبانشناسی تحصیل نکرده بودند و آنچه در سال‌های بعد سبب امتیاز نوشته‌های او از آن دیگران شد در اصل همین دانش او در زبانشناسی بود. موضوع غالب این نوشته‌ها مسائل لغوی و آوایی و دستوری زبان فارسی است و آنچه هم درباره گویش‌های ایرانی در نوشته‌های اوست، چنانکه خود تصریح کرده و از لابلای سطور آنها پیداست، داعیه‌اش شناخت زبان فارسی بوده است. آموختن بعضی از زبان‌های ایرانی پیش از اسلام و وارد شدن در بعضی مسائل لغوی و آوایی و دستوری آن زبان‌ها نیز باز به همین جهت شناخت زبان فارسی بوده و گذاری که از آن زبان‌ها به فارسی و از فارسی به آن زبان‌ها کرده و نکته‌سنجی‌ها که در این میانه کرده و مددی که از دانش زبانشناسی در فهم و تشریح و تبیین مسائل آن خواسته شاید منحصر در فرد او باشد، یا با این جدیت و مداومت و دقت که در کار او است در کار فرد دیگر نباشد.

در گذشته نویسندگان را به یک اعتبار به مکرر و مقلّ تقسیم می‌کرده‌اند و هر یک از این دو گروه را به مُجید و غیرمُجید. مقلّ مجید البته قلیل نیست، ولی مکرر مجید کم‌شمار است. دکتر صادقی به گروه اخیر تعلق دارد و اگر کسی بخواهد سهم او در مطالعات زبان‌های

ایرانی پیش از اسلام و سهم آموخته‌های او در این زبان‌ها را در مطالعات او در زبان فارسی دریابد، ناگزیر از خواندن همه یا غالب این نوشته‌های اوست و این بدبختانه برای نویسنده این سطور میسر نشده است و با آنکه در گذشته بسیاری از این نوشته‌ها را خوانده، در این زمان آن اندازه در حافظه ندارد که در ارزیابی آنها سخن بگوید. لازم است که روزی کسی نوشته‌ای مستقل، مثلاً رساله کارشناسی ارشدی، در این باره پردازد و در ضمن آنکه فوائد و تبعات این شیوه تحقیق را در تبعات مربوط به زبان‌های ایرانی پیش از اسلام بازمی‌نماید، در نقد جزئیات آن نیز بکوشد و به واسطه آن به یک معنای تازه برای تازه‌واردان در این قبیل تبعات بگشاید. به علاوه هر معلم یا جوینده زبان‌های ایرانی پیش از اسلام نیز باید غالب این نوشته‌ها را بخواند تا به ذهن خود و به شیوه تحصیل و تحقیق خود نظم ببخشد و از بعضی تکرارهای نالازم بپرهیزد. چه بسیار مطالب، در کلیات و جزئیات، که در حین مطالعات، گاه با زحمت بسیار، به دست می‌آید و در نوشته‌های او، گاه با تفصیل و شرح بیشتر یا شیوه تحلیل بهتر، بیان شده است.

موضوع این نوشته‌های پرشمار غالباً بحثی لغوی یا آوایی است و نویسنده در طی آن، به اقتضای بحث، پی دیگر علایق خود، مثلاً جغرافیای تاریخی و نامشناسی را هم می‌گیرد و گاه به تاریخ و نسخه‌شناسی و تصحیح متون نیز سر می‌کشد. مقالات درخشان «محل آذر بر زین مهر» (نامه ایران باستان، ش ۶) و «تأملی در دو تاریخ قدیم اصفهان» (باستانشناسی و تاریخ، ش ۸-۹) دو نمونه عالی این نوع مقالاتند که نویسنده در آن اطلاعات وسیع خود را در چندین شعبه از این علوم شاید بتوان گفت به نمایش گذاشته و مخصوصاً «مخصوصاً» از جهت بحث حاضر) اشکالاتی که در مقاله اول بر بعضی پهلوی‌دانان بزرگ و تصحیحی که در کار آنان کرده و فایده‌ای که از این تصحیحات در تحقیق خود برده، آشنایی او را با این زبان بسی بیش از کسی که خود را در این شعبه از علم متفئن می‌نماید نشان می‌دهد. بعضی دیگر از مقالات او درباره جغرافیای تاریخی یا وجه تسمیه مکان‌های جغرافیایی، مانند آنچه با نام «وجه تسمیه چند نام جغرافیایی مربوط به خاک یزد» (نامواره دکتر محمود افشار، ج ۱۶) نوشته در قبال آنچه در «تأملی در دو تاریخ قدیم اصفهان» آورده رنگ می‌بازد و با این همه در موضوع وجه تسمیه مکان‌های جغرافیایی تبعات وسیع او هنوز مجال نشر نیافته و باید در آینده منتظر چاپ یادداشت‌های فراوان او در این باب بود تا به این شعبه از زبانشناسی تاریخی و جغرافیای تاریخی سر و سامانی بدهد و اهل این قبیل تحقیقات را از این همه بیهوده‌گویی که بعضی هموطنان به آن دچارند و خود این شعبه را از پراکندگی و بی‌نظمی که در ایران بدان گرفتار است رهایی بخشد.

از دیگر ثمرات تبعات او برای زبانشناسی تاریخی ایران تجدید نظرها یا نوآوری‌هایی است که در آواشناسی و واجشناسی تاریخی فارسی در ادوار پیش و پس از اسلام آن کرده،

یا جمع و ترکیب متناسبی است که میان یافته‌های متخصصان زبان‌ها و گویش‌های مختلف ایرانی کرده است. در مقاله «فرایند افزوده شدن صامت ر به بعضی از کلمات» (زبانشناسی، ش ۳۹) این تحول آوایی را در زبان‌های ایرانی پیش از اسلام، از جمله سغدی، و بقایای آن در فارسی نیز پی گرفته و سابقه آن را نشان داده است. مهم‌تر از آن نکته مهمی است که در مقاله «گویش قدیم کازرون» (زبانشناسی، ش ۳۷) آورده و آن اینکه واو فارسی میانه در بعضی مناطق دولبی (w) و در بعضی مناطق دیگر لبی و دندانی (v) تلفظ می‌شده و در ایالت فارس، یا لاقل بیشتر مناطق آن، واجی لبی و دندانی بوده است و دوگانگی تحول بعضی کلمات مانند برنج و گرنج از اینجا است. اینکه در چه مناطقی این تلفظ و در چه مناطقی آن تلفظ دیگر متداول بوده حاصل دیگر قسمتی از آن مقاله است. فهم همین نکته سرمایه اصلی یک مقاله دیگر او هم هست که علاوه بر احتوا بر اطلاعات مفید در لغت و گویش‌شناسی ایرانی، مقاله‌ای آموزنده هم هست و آن مقاله «درباره بعضی واژه‌های مربوط به تاب‌بازی» است (فرهنگ مردم، ش ۲۷-۲۸). باز مهم‌تر از این کشفی است که به واسطه شناخت گویش‌های جنوب و جنوب غرب ایران به آن نایل شده و در بیش از یک جا از آن سخن گفته است (از جمله در «یادداشتی درباره ساختمان واجی لهجه دوانی» (زبانشناسی، ش ۱۰)؛ «گویش قدیم کازرون» (زبانشناسی، ش ۳۷)؛ «فوائد زبانی و لغوی تصحیح الفصحیح ابن‌درستویه فسایی» (فرهنگ‌نویسی، ش ۷) و پیش از اینها در تکوین زبان فارسی، ص ۱۲۵) و آن اینکه جیم و چ در فارسی میانه در بعضی مناطق dz و ts تلفظ می‌شده است (یعنی مانند جیم و چ در اصفهانی) و چون این تلفظ در گویش‌های بهبهانی و دوانی و کازرونی هم هست، مناطق نسبتاً وسیعی را از اصفهان تا خوزستان شامل می‌شده است. این معنا ممکن است در مورد ژ و c در فارسی باستان هم صادق باشد و تحول c فارسی باستان به z فارسی میانه در بعضی مواضع کلمات از همین جا باشد.

کسانی که در زبان‌های ایران پیش از اسلام تحصیل کرده‌اند ممکن است در اول نظر این‌طور گمان برند که مقالاتی مانند «تحول صامت ق عربی در زبان فارسی» (زبانشناسی، ش ۴۱-۴۲) به کار ایشان نمی‌آید، اما چنین تصویری البته خطاست. این مقاله، علاوه بر اطلاعات فراوانی که از جهات دیگر در آن هست، گوشه‌ای از آواشناسی زبان فارسی در قرون گذشته را روشن می‌کند و از جهت اهمیت در کنار مقالات کثیرالفایده‌ای مانند «گویش قدیم کازرون» قرار می‌گیرد، ضمن آنکه اشتقاق بعضی کلمات را هم بر خوانندگان آشکار می‌سازد و فهرستی از معرّبات فرهنگ‌ها و تحقیقات پیشینیان را تبدیل به مفرّسات و معجمّات می‌کند و مخصوصاً قواعد تعریف گاف فارسی میانه به قاف و جیم در عربی را در پایان مقاله به پهلوی‌دانان می‌شناساند.

در واقع تلقی درست او از آواشناسی تاریخی و تحولات آوایی یک سبب اصلی این

توفیقات او در حل مسائل آواشناسی و واجشناسی تاریخی زبان فارسی است. او بهدرستی دریافته که تحولات آوایی در یک زبان ممکن است محدود به زمان و مکان باشد و یک قاعده کلی بر آن حاکم نباشد و تحولی که در یک جا مَطْرَد است در جای دیگر اصلاً وجود نداشته باشد یا جزء شواذ باشد یا تأثیر زبان‌ها یا لهجه‌های مجاور باشد، یا قاعده‌ای که در یک منطقه در زمانی دیرتر شده در منطقه دیگر قرن‌ها سابقه داشته و احياناً زودتر به پایان رسیده است. مقاله «صامت ث در زبان فارسی و پهلوی» (فرهنگ‌نویسی، ش ۹)، که یک رساله مفرد مستقل است، سوای بعضی ملاحظات که ممکن است بتوان در بعضی جزئیات آن مطرح کرد، از جمله همین معنا را به‌خوبی می‌رساند. چنین نوشته‌ای در میان آثار محققان غربی نیز نمی‌توان سراغ کرد.

مقاله «تبدیل آن و آم به اون و اوم» (زبان‌شناسی، ش ۱) باز مصداق دیگری است از این معنا و به علاوه جستجوی وسیعی است در گویش‌های مکتوب و غیرمکتوب و متون پیش از اسلام برای یافتن سابقه این تبدیل و شرایط آن. به همین ترتیب، می‌توان از «تحول خوشه صامت آغازی» (نامه ایران باستان، ش ۱) یاد کرد که جز آنچه در آن درباره شکستن خوشه آغازی در زبان اوستایی گفته شده، همه چیز در آن به‌اعتدال و استوار بر شواهد بسیار است. همین آگاهی‌های درست او از آواشناسی تاریخی در ریشه‌شناسی هم مددکار او بوده است. در جایی که دیگران به ذکر ارتباط دو یا چند لفظ در این زبان و آن لهجه اکتفا کرده‌اند، او به دنبال تبیین آن ارتباط به‌لحاظ آواشناسی برآمده و به‌سادگی از آن نگذشته است. یک نمونه آن ربط درویش و دریوزه است در یادداشتی که درباره دریوزه نوشته است (فرهنگ‌نویسی، ش ۱۰). یک فایده دیگر ریشه‌شناسی به شیوه او - نه اینکه منحصر به فرد او باشد - این است که مواد و اطلاعات مختلف را با جستجویی در حد استقرا از این سو و آن سو، از این لهجه و آن زبان، از این نسخه خطی و آن نسخه بدل، از این کتاب لغت و آن متن کهن، بیرون می‌آورد و پیدا کردن اصل کلمه در هندواروپایی و خویشاوندی آن با فلان کلمه لیتوانیایی و گرمانی و یونانی - که البته خود جزئی از ریشه‌شناسی است - برای او که در این موضوعات متخصص نیست جذابیتی ندارد. در واقع دانستن چنین مطالبی را به خلاف بعضی دیگر به خود بر نمی‌بندد و در عوض آن می‌کوشد که حق آنچه را یک فیلولوگ فارسی‌زبان باید بکند ادا کند و آن شعبه از ریشه‌شناسی را به اهل آن بسپارد و خود بی‌جهت به راه‌های ناراست نهره نیفتد. مقالاتی مانند «هنجیدن و فنجیدن» (فرهنگ‌نویسی، ش ۱۱) یک نمونه بسیار خوب از چنین ریشه‌شناسی است که در ضمن آن اصل چندین کلمه مهجور مرتبط با هم، که غالباً نیز به صورت مصحف در فرهنگ‌ها و نسخه‌ها ضبط بوده‌اند، به دست آمده است.

دیگر شیوه پسندیده او در ریشه‌شناسی توجه به تاریخ لغت است و همین توجه به تاریخ

لغت است که سبب شده دریابد که به خلاف رأی یک ایرانشناس بزرگ ممکن نیست مه فارسی از mid-فارسی باستان مشتق شده باشد (فرهنگ‌نویسی، ش ۴) و آلاخون والاخون در تاریخ هون‌های سفید و سرخ ریشه داشته باشد (فرهنگ‌نویسی، ش ۱۱). در واقع، به واسطه پیروی از این شیوه تفوه به بعضی آراء عجیب و غریب را بر خود حرام کرده است.

با آنکه با اندکی از اشتقاقاتی که این اواخر مخصوصاً در مجموعه «پژوهش‌های لغوی» چاپ شده می‌توان مخالفت کرد و در اشتقاق بعضی کلمات رأی گذشتگان را همچنان درست‌تر دانست و تعرض به اشتقاق بعضی کلمات و عبارات را نالازم شمرد، باز باید به درستی غالب این اشتقاقات در قبال آرای پیشینیان معتقد شد و در بعضی قول به جز آن را روا ندانست؛ از آن جمله است اشتقاق آزیغ (احتمالاً منهای آنچه در پایان مقاله از دیگران نقل شده) و آوازه و پیداوسی که در هر سه رأی او درست است و رأی پیشینیان او از میان استادان زبان‌های ایرانی پیش از اسلام نادرست.

به سه نمونه دیگر از هنرمندی‌های او در ریشه‌شناسی اشاره‌ای می‌کنیم و از این مبحث می‌گذریم. یکی رأی هوشمندانه اوست درباره اشتقاق ارژنگ مانی (در مقاله «صامت ث»)، دیگر رأی او درباره باد شرطه است، که با رجوع به یک گویش ایرانی دورافتاده (کُمزاری) و بعضی تحولات آوایی در آن گویش توانسته سابقه این لغت را قدری عقب‌تر ببرد، و سدیگر حاشیه‌ای است که در مقاله «لغات فارسی کتاب التخلیص ابوهلال عسکری» (زبان‌شناسی، ش ۷-۸) درباره لغت براستن نوشته شده است.

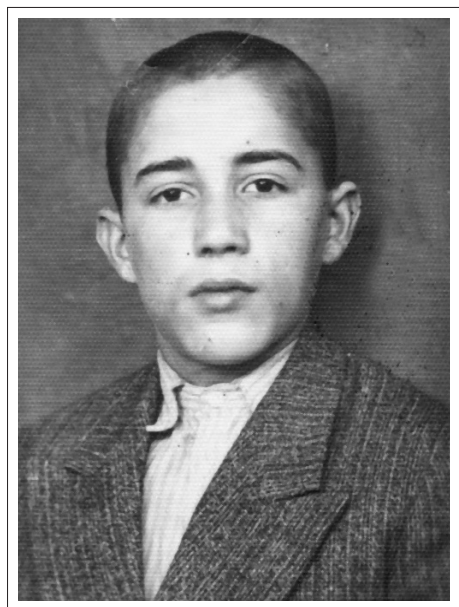
باری کمتر نوشته‌ای از او هست که به کار متخصصان زبان‌های ایرانی پیش از اسلام نیاید. بعضی از نوشته‌ها، از جمله چند مقاله از مقالاتی که پیش‌تر ذکر آنها رفت، مثل اعلامی تحقیق و تبعد. یکی دیگر از این نمونه‌های عالی تحقیق مقاله مفصل «قطعه‌هایی باز یافته از کتاب الموازنه حمزه اصفهانی» (نامه ایران باستان، ش ۳) است که مشحون است به نکته‌سنجی‌ها و مطالب تازه‌یافته و خرده‌گیری‌های بیجا از نوشته‌های پیشینیان و اشتقاقات درست و تصحیحات دقیق و هوشمندانه در متن کتاب‌ها (مثلاً توجه شود به اشکالی که در صفحه ۴۶ بر دیوید مکنزی کرده و آنچه در پایان مقاله درباره هکارچ، یعنی قارچ، گفته و آنچه در صفحه ۳۰ و ۳۲ در اشتقاق اسفیوش و اسفه‌ارزه و دُخش‌انگشت آورده و هوشمندی که در صفحه ۱۸ در فهم اشتقاق عامیانه هِنار به خرج داده است).

یک شعبه دیگر از زبان‌شناسی تاریخی که از تبّعات او برخوردار شده نام‌شناسی است. جای تأسف است که تا کنون از یادداشت‌های مفصل او جز اندکی («نامگذاری در ایران»، ذیل مدخل «تسمیه» در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و «شکل‌های تحبیبی نام‌های خاص ایرانی در دوره اسلامی (بخش اول)») منتشر نشده است. با این حال، همان نیز مبنای محکمی است که محققان دیگر می‌توانند اساس قسمی از مطالعات خود را بر آن استوار سازند.

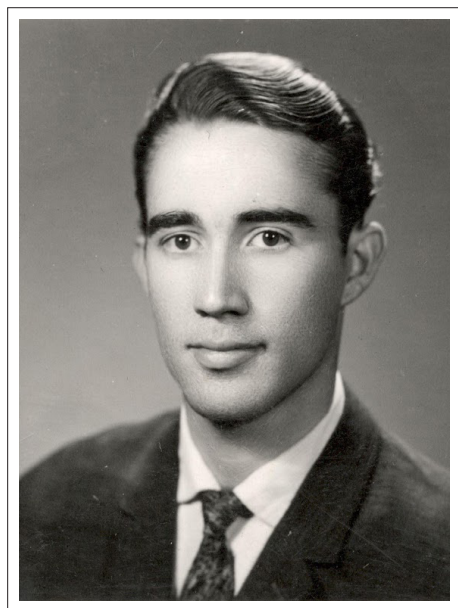
پیدا است که او مقاله‌نویسی را بر نوشتن کتاب ترجیح می‌دهد. با این همه، بعضی مقالات مفصل او در حکم رساله‌هایی مفرده و در واقع کتاب‌هایی مستقلند. از بعضی در سطور پیشین سخن گفته شد. یکی دیگر از این رسالات مفرده «تشدید در زبان فارسی» (فرهنگ‌نویسی، ش ۵-۶) است. متخصصان زبان‌های پیش از اسلام ممکن است پیش خود آرزو کنند که کاش او تکلیف تشدید در ایرانی باستان را هم معلوم می‌کرد و کار را بر اهل این حوزه نیز آسان‌تر می‌نمود. اکنون بر اهل همین حوزه است که با همین اسلوب او درباره تشدید در ایرانی باستان، که بعضی محققان شاید به درستی منکر آنند، تحقیق کنند. این مختصری بود درباره اندکی از نوشته‌های استادی که عمر خود را وقف زبان فارسی کرده و آثار فراوانی درباره وجوه مختلف آن نوشته و به قطع یادداشت‌های فراوان دیگری فراهم آورده که امیدوار به چاپ آنهاست. بعضی شاگردان و دوستداران او شاید بیش از هر کار دیگر چشم‌به‌راه تحریر تازه‌ای از تکوین زبان فارسی اویند و او خود امیدوار به اتمام فرهنگ جامع زبان فارسی و گویا محصور در انبوه یادداشت‌هایی که در طی سالیان با نظم و اسلوب مخصوص جمع آورده است. آرزوی ما سلامت او و به سرانجام رساندن این همه است.



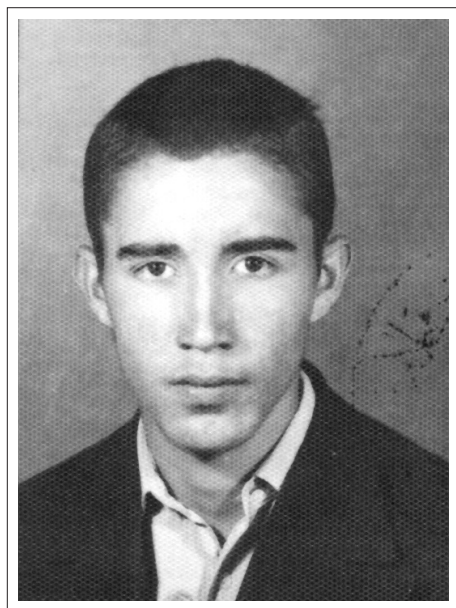
تصاویر



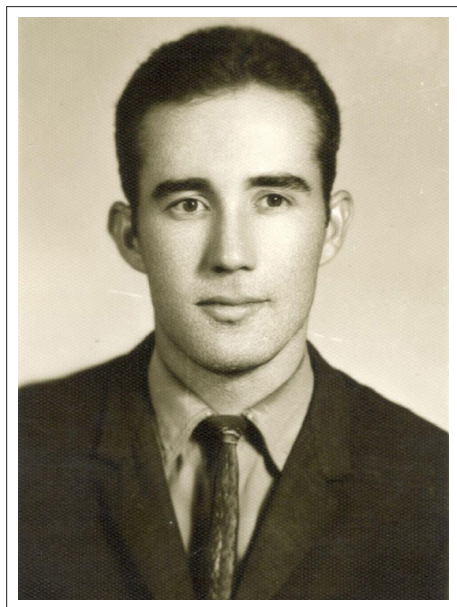
کلاس پنجم ابتدایی، ۱۳۳۱



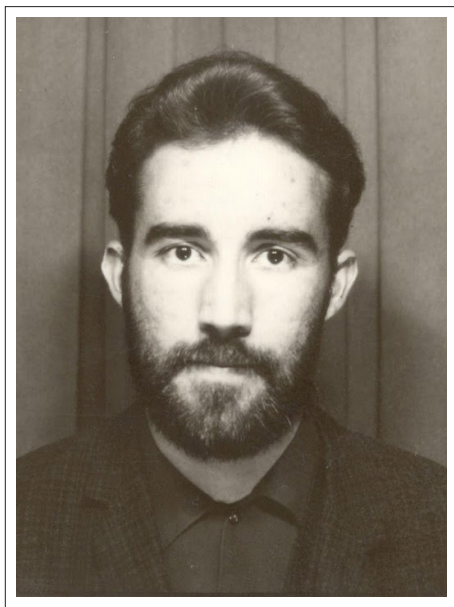
۱۳۴۲



۱۳۴۶



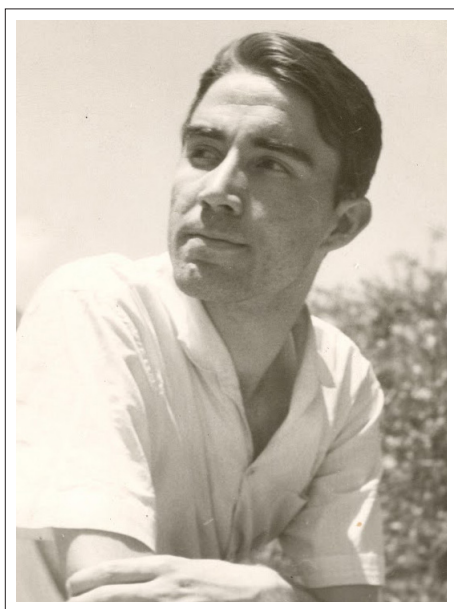
۱۳۴۸



در پاریس، ۱۹۶۴ یا ۱۹۶۵



ایام سرپازی



دوران دانشجویی در دانشکده ادبیات، در یکی از روستاهای شمیران،
۱۳۴۰



در کنار پدر (در وسط) که مدیر مدرسه بودند، کلاس سوم ابتدایی، ۱۳۲۹



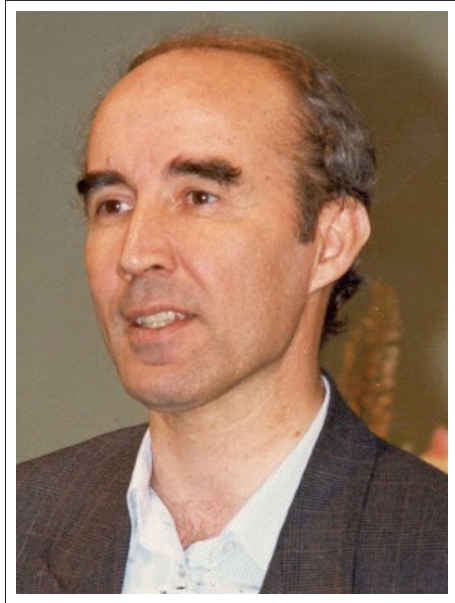
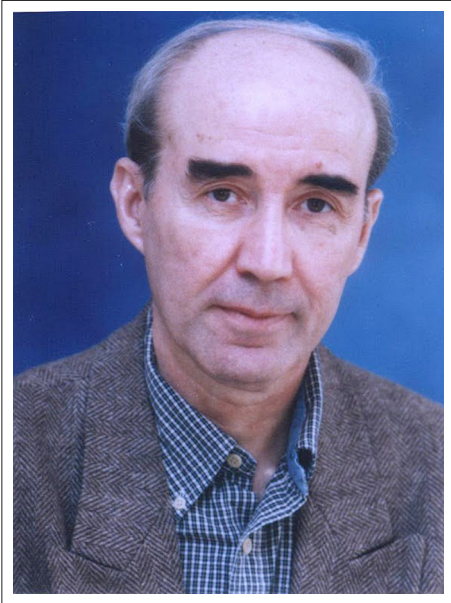
سال اول دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، با ایندوشیکهر استاد زبان سنسکریت، ۱۳۳۹



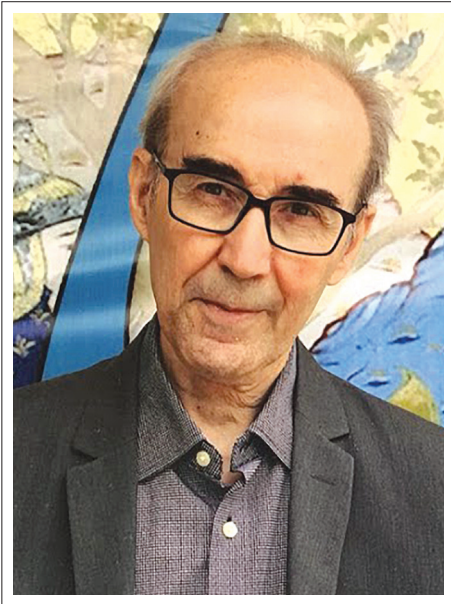
پاریس، مدرسه آلیانس، ۱۹۶۳



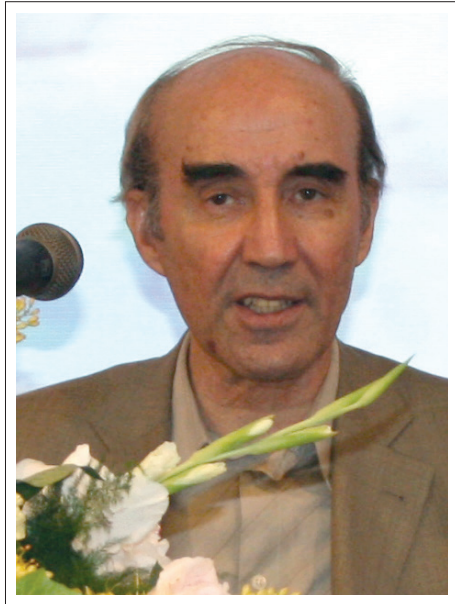
با احمد تفضلی، ماهیار نوایی، هرمز میلانیان و جواد برومند سعید در عقب عکس



۱۳۷۰



۱۳۹۶



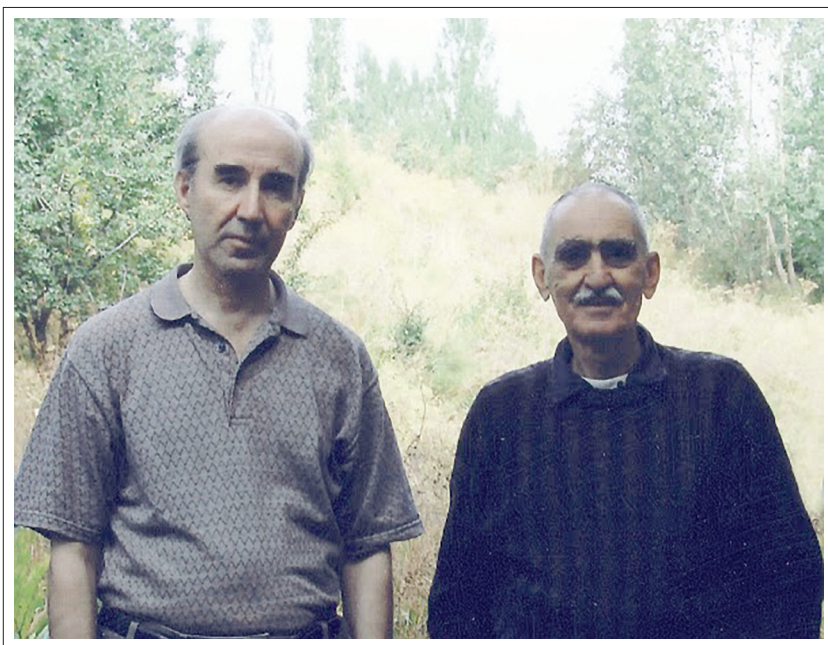
در بنیاد ایرانشناسی، خرداد ۱۳۸۶



با عبدالحسین زرین کوب و احمد تفضلی



در منزل محمدامین ریاحی، روز جشن فرهنگ بزرگ سخن



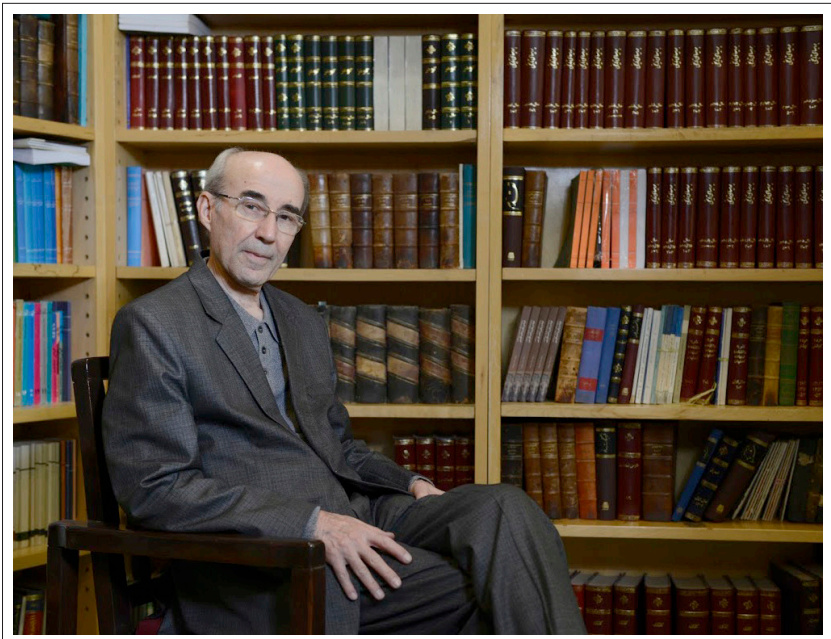
با ایرج افشار در کوشک، تابستان ۱۳۸۴



با ژیلبر لازار در دانشگاه هامبورگ، تابستان ۲۰۱۳



در بنیاد ایرانشناسی، رونمایی از دیوان حافظ به تصحیح سلیم نیساری، آبان ۱۳۸۶



در فرهنگستان زبان و ادب فارسی (عکس از امید طاری فرد)

Sadeghi, who wrote his dissertation in Paris, has “imported” Gilbert Lazard’s linguistic approach to Iran in the best sense of the word, and he has further developed it: an empirically based typological approach that is not biased by any theoretical or methodological framework, and that investigates both New Persian and West Iranian dialects from the original sources, and at the highest academic level.

Any future study of the historical and modern grammar(s) of Persian will have to take into account Sadeghi’s works. Although he publishes also in French and English, it is a pity that so many of Sadeghi’s important works, composed in Persian, are less accessible to the international linguistic community, who do not read Persian. Is it possible here to call for a remedy to this deplorable fact? Namely, for a translation into English, and publication, of a selection of his major articles?



Ali Ashraf Sadeghi

Ludwig Paul

I met Prof. Ali Ashraf Sadeghi for the first time when I spent the academic year of 1988/89 in Tehran, studying Persian at the Dehkhoda Institute and attending classes at Tehran University with Ahmad Tafazzoli, Zhale Amuzgar and Ali Ashraf Sadeghi. I remember Sadeghi's class on the Grammar of modern Persian very well: he combined an empirical and typological approach with an open-minded way of teaching, asking the students to find out rules of their native language of which they were not aware. As a young student, I could not yet realize that Sadeghi was about to become, or was already, one of the towering scholars of Persian grammar, in all its varieties and aspects.

Sadeghi had published an impressive number of important works already at that time, and he would add many more in the years to come. Besides his important book on the evolution of New Persian (1357/1978), among his earlier works, I would just like to mention his article about the change of *ān/ām* to *ūn/ūm* in modern spoken Persian (1363/1984). As a historical linguist, Sadeghi always shows full philological mastery of all the texts from which he draws linguistic information, be it classical poetry, epics, or tafsirs.

Another important field to which Sadeghi contributed (and continues to contribute) a lot, is West Iranian dialectology. Sadeghi does not only work on modern living dialects (e.g. his book on the dialect of Qom, 1380/2001), he also has important studies on historical dialect poetry (*Fahlavīyāt*, e.g. those of Sheikh Safī od-Dīn, 1382/2003), and on the many dialect words that are spread over, and hidden in, classical Persian literary works.

Recipients and Dates of the Awards

1. 1989 Dec. 19 **Nazir Ahmad** India: Aligarh University
2. 1990 Dec. 19 **Gholamhossein Yousefi** Iran: Ferdowsi University (Mashhad)
3. 1990 Oct. 23 **Amin Abdolmajid Badawi** Egypt: Ein al-Shams University (Cairo)
4. 1991 Dec. 19 **Mohammad Dabirsiyaghi** Iran: Dehkhoda Institute (Tehran)
5. 1991 Dec. 19 **Zohuruddin Ahmad** Pakistan: Punjab University
6. 1998 May 2 **Zhang Hong-nein** China: Peking University
7. 1997 Mar. 13 **Kamaluddin Aini** Tajikistan: Tajikistan Academy of Science
8. 2001 Mar. 1 **Manuchehr Sotoudeh** Iran: Tehran University
9. 2001 Oct. 6 **Clifford Edmund Bosworth** England: Manchester University
10. 2003 Sep. 15 **Abdolhossein Zarrinkoub** Iran: Tehran University
11. 2003 Sep. 15 **Fereydoun Moshiri** Iran: Prominent Persian poet
12. 2003 Nov. 22 **Tsuneo Kuroyanagi** Japan: Tokyo University
13. 2004 June 22 **Richard Nelson Frye** United States: Harvard University
14. 2006 May 31 **Hans de Bruijn** Holland: University of Leiden
15. 2006 Dec. 19 **Najib Mayel Heravi** Afghanistan: Researcher and editor
16. 2007 June 20 **Charles-Henri de Fouchecour** France: University of Paris III
17. 2008 Dec. 28 **Badrozzaman Gharib** Iran: Tehran University
18. 2010 June 10 **Bert G. Fragner** Austria: Institut für Iranistik (Wien)
19. 2011 May 12 **Ahmad Monzavi** Iran: Cataloguer
20. 2011 Dec. 3 **Angelo Michele Piemontese** Italy: University of Rome
21. 2013 Dec. 19 **Ahmad Eghtedari** Iran: Scholar
22. 2014 Dec. 19 **Mohammad Ali Movahhed** Iran: Scholar
23. 2016 Oct. 1 **Amir Houshang Ebtehaj (Sayeh)** Iran: Prominent Persian poet
24. 2017 July 4 **Gilbert Lazard** France: University of Paris III
25. 2018 June 19 **Ali Ashraf Sadeghi** Iran: Tehran University

Provisions Concerning Literary and Historical Awards

Article 34 of the first endowment document

Should there be a considerable increase in the income of the Foundation, the endower or the endowment's board of trustees may use some of the funds as prizes to encourage scholars, researchers, authors, and poets in their works – particularly those who have published their works in the journal, *Ayandeh*. Devoting part of the income of the foundation to award such authors and poets who take part in, and succeed in literary competitions encourages them to compose works of a nationalist and social character. Management of such affairs is the responsibility of the endower during his lifetime. He will carry out this duty in consultation with experts of his acquaintance. Following his death, this task is assigned to a panel of six of which two thirds may be member of the board of trustees of the endowment, and one third may be members of the editorial board of the Ayandeh publishing firm, or alternatively, may be chosen from among individuals who are selected by these two entities.

Article 5 of the fifth endowment document

Due to the dissolution of the Ayandeh publishing firm, all the rights and duties that were assigned to it with respect to the dispersing of awards in article 34 of the first endowment document (dated Dey 1337/ January 1959), are hereby transferred to the endower and to the board of trustees, who may rely on the advice of experts in the field.

Endower's note

Awards: Awards that are administered by this endowment are, like its other affairs, geared to its primary goal of promoting national unity through support of the Persian language. In other words, books, treatises, articles, and poems that may be composed with this goal in mind, be they in Persian or in other languages, and be they authored by Iranians or other nationals, in Iran or abroad, qualify for nomination. A set of rules and regulations should be prepared for this purpose. I briefly list the principles features of these rules

Dr. Mahmoud Afshar
Gras, 4 August 1978

25

Literary and Historical Award of
Dr. Mahmoud Afshar Yazdi's Foundation

Ali Ashraf Sadeghi



Tuesday, 19 June 2018

Dr. Mahmoud Afshar Yazdi's Foundation – Persian Language center